

بررسی تطبیقی رابطه توسعه اقتصاد فرهنگ و نظم در جامعه

داود پرچمی*، فاطمه درخشان**

تاریخ ارسال: ۹۸/۰۴/۲۶ تاریخ بازنگری: ۹۸/۱۰/۰۸ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۲۱

چکیده

ایران در اقتصاد فرهنگ با مسئله توسعه نیافتگی مواجه و فاصله زیادی با کشورهای توسعه یافته، رشد یافته و حتی کشورهای مشابه خود دارد. اقتصاد فرهنگ با حاکم شدن نظم بر اجزای خرده نظام های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و روابط آنها با هم و در نتیجه رشد کمی، کیفی و تنوع در فرایند تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات فرهنگی توسعه می یابد. در این مقاله توسعه یافتگی اقتصاد فرهنگ و رابطه آن با نظم در جامعه با روش تطبیقی بین ۱۰ کشور اول پیشرفته و ۱۰ کشور اول رشد یافته در اقتصاد فرهنگ و ایران بررسی شده است. نتایج بیانگر آن است که هرچه نظم در جامعه بیشتر بوده، توسعه اقتصاد فرهنگ نیز بیشتر شده است. همبستگی بین نظم در جامعه و توسعه اقتصاد فرهنگ $r = 0.72$ بوده و ۰.۵۲ از تغییرات اقتصاد فرهنگ به وسیله نظم در جامعه تبیین شده است. در تبیین هم زمان تغییرات اقتصاد فرهنگ، سرمایه اقتصادی و فرهنگی بیشترین توان تبیین را داشته اند. روش بازه احتمال وقوع نشان داد ایران در صورتی که نرخ رشد خود را در سرمایه اقتصادی ۱،۳۲، در سرمایه فرهنگی ۰،۵۰، در سرمایه اجتماعی ۰،۲۰ و در سرمایه سیاسی به ۱،۱۳ برساند در سال ۲۰۳۰ میلادی و ۱۴۱۰ شمسی در اقتصاد فرهنگ به توسعه ای همانند کشورهای پیشرفته می رسد.

واژگان کلیدی: توسعه، نظم، اقتصاد فرهنگ، سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، سرمایه سیاسی.

* استادیار جامعه شناسی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول).

d-parchami@sbu.ac.ir
f-derakhshan@atu.ac.ir

** دانشجوی دکتری جامعه شناسی فرهنگی دانشگاه علامه طباطبائی.

طرح مسأله

با گذشت زمان نقش فرهنگ و اقتصاد فرهنگ در پیشرفت جوامع بیشتر و در تولید ثروت اقتصادی و سرمایه فرهنگی برنامه‌ای راهبردی گردیده است. اقتصاد فرهنگ، توسعه اقتصادی از طریق تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات فرهنگی و توسعه سرمایه فرهنگی یعنی رشد آگاهی‌های نافع را در بر می‌گیرد و از این طریق می‌تواند عامل مؤثری در شکوفایی استعداد های انسانی در سطح خرد، رشد و ارتقا خرده فرهنگ‌ها در سطح میانه و پیشرفت جامعه و ارتقاء ضریب نفوذ فرهنگی کشورها در روابط بین‌المللی و تبادلات فرهنگی فراملی در سطح کلان باشد. اقتصاد فرهنگ ایران با مسئله توسعه نیافتگی مواجه و فاصله زیادی با کشورهای توسعه یافته، رشد یافته و حتی کشورهای مشابه خود دارد. این امر علاوه بر آنکه معرف توسعه نیافتگی اقتصادی ما را نشان می‌دهد بیانگر کم تأثیری و یا بی تأثیری نظام فرهنگی ما در عرصه جهانی و در فرایند جهانی سازی است. از این رو شناخت چگونگی توسعه اقتصاد فرهنگ ایران و عوامل مؤثر بر آن برای رفع این پیامدهای سوء و همچنین بهره‌مندی از فواید توسعه اقتصاد فرهنگ در رشد اقتصادی کشور و رشد سرمایه فرهنگی ملی می‌تواند ضرورت دارد.

به گزارش یونسکو، درآمد صنایع فرهنگی در جهان حدود ۲,۲۵۰ میلیارد دلار و ۳ درصد از GDP جهانی را به خود اختصاص می‌دهد و ۲۹ میلیون نفر از مردم جهان در این بخش مشغول به کار می‌باشند. بیشترین درآمد در اقتصاد فرهنگ و جمعیت شاغل در صنایع فرهنگی آن به ترتیب در منطقه آسیا-اقیانوسیه، اروپا و آمریکای شمالی است (جدول ۱)؛ که می‌تواند بیانگر سطح توسعه یافتگی اقتصاد فرهنگ آنان باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱: توسعه اقتصاد فرهنگ در مناطق مهم جهان

Table 1: Development of Economics of culture in important regions of the world

درصد جمعیت شاغل اقتصاد فرهنگ به کل	جمعیت شاغل (میلیون نفر)		درآمد سرانه شاغلین اقتصاد فرهنگ (دلار)	درآمد سرانه اقتصاد فرهنگ (دلار)	درآمد اقتصاد فرهنگ (میلیارد دلار)	منطقه
	در اقتصاد فرهنگ	کل				
1.4	12.7	900	58504	177	743	آسیا-اقیانوسیه
3.3	7.7	228	92078	956	709	اروپا
2.3	4.7	200	131915	1070	620	آمریکای شمالی
1.4	2.4	160	24167	133	58	غرب آسیا و آفریقای شمالی

Source: Cultural times. 2015

آمار دقیق و متقنی درباره چگونگی توسعه اقتصاد فرهنگ ایران وجود ندارد. بر اساس آخرین گزارش‌های در دسترس، کشور ما در اقتصاد فرهنگ (میزان گردش مالی ایران در مهم‌ترین صنایع فرهنگی مانند فیلم، کتاب، موسیقی، هنرهای نمایشی و هنرهای تجسمی) فاصله زیادی با کشورهای توسعه‌یافته، رشدیافته و حتی کشورهای مشابه خود (مانند ترکیه) دارد. آمار و ارقام نشان می‌دهد ما در این زمینه با مسئله توسعه‌نیافتگی مواجهیم. توسعه اقتصاد فرهنگ و توسعه آن و یا به تعبیری توسعه صنعت صنایع فرهنگی به‌عنوان یک حوزه صنعت پیشرو، بالنده، کارآفرین، فرصت و ثروت‌ساز و یکی از خوش‌آتی‌ترین عرصه‌های اقتصادی در جامعه ما مغفول مانده است. به‌ویژه در دوره‌ای که تأکید بر اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش‌بنیان و حمایت از تولید و کالای داخلی می‌شود، نیازمند مطالعه و کسب شناخت درباره آن و یافتن راه‌حل برای آن می‌باشیم.

به نظر می‌رسد یکی از عوامل مهم توسعه اقتصاد فرهنگ، نظم در جامعه و یا کارآمدی خرده‌نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی حاصل از آن و عدم اختلال در مراودات و مبادلات میان آن‌ها باشد. اقتصاد فرهنگ می‌تواند از طریق حاکم شدن نظم بر اجزای خرده‌نظام‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و روابط آن‌ها با هم و در

نتیجه رشد کمی، کیفی و تنوع در فرایند تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات فرهنگی توسعه یابد.

بررسی وضعیت کشورهایی که در اقتصاد فرهنگ توسعه یافته‌اند، یا در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته‌اند بیانگر وجود نظم بالا و یا ارتقاء آن در این جوامع است. بررسی‌ها نشان می‌دهد عدم نظم در خرده‌نظام‌های اجتماعی و روابط بین آن‌ها از عوامل مهم اختلال کارکردی و توسعه نیافتگی اقتصاد فرهنگ و خرده‌نظام‌های مختلف و در کل توسعه نیافتگی کشور است. مسئله توسعه نیافتگی اقتصاد فرهنگ و رابطه آن با نظم در جامعه موضوع این مقاله است که با روش تطبیقی بین ۱۰ کشور اول پیشرفته و ۱۰ کشور اول رشد یافته در اقتصاد فرهنگ با ایران بررسی خواهد شد؛ بنابراین تحقیق درصدد پاسخ به این سؤال است: رابطه‌ی میان نظم در جامعه با توسعه اقتصاد فرهنگ چگونه است؟

پیشینه تحقیق

حوزه تحقیقاتی موضوع اقتصاد فرهنگ و توسعه‌ی آن پدیده نوظهوری است که سابقه آن در ایران به دو دهه نمی‌رسد، بنابراین مطالعات اندکی به‌ویژه از دیدگاه جامعه‌شناسی انجام گرفته است. با این وجود در این بخش به برخی مطالعات انجام شده نزدیک به موضوع، پرداخته می‌شود.

مسعودی‌نیا و رشیدپور (2018) در مطالعه‌ای با عنوان «راهبردهای مؤثر بر تقویت ساختار اقتصاد فرهنگ ایران» از طریق اجرای مصاحبه کیفی با ۲۰ نفر از صاحب‌نظران و عوامل با تجربه علمی یا عملی در حوزه‌های گوناگون اقتصاد فرهنگ، با توجه به نقاط قوت و ضعف اقتصاد فرهنگ به بررسی راهبردهایی که موجب تقویت آن می‌گردد، پرداختند. نتایج تحقیق طی استخراج ۱۶ مضمون اصلی شامل موارد ذیل می‌باشد: «تدوین سیاست‌های کارآمد»، «گفتمان‌سازی»، «بهبود فضای کسب‌وکار فرهنگی»، «اصلاح قوانین حق مالکیت و تعهدات اجرایی»، «مداخله قاعده‌مند دولت و واگذاری به بخش خصوصی»، «قاعده‌مند شدن حمایت‌های کارشناسی شده»، «ایجاد پایگاه‌های داده‌های دقیق»، «ایجاد نهاد متولی و به‌کارگیری مدیران کارآمد»، «شریان‌سازی سالم اقتصادی و شکل‌گیری بازار» و ...

شیرازی و ایزدخواه (2016) در مطالعه‌ای با عنوان «رویکرد سیاستی در اقتصاد فرهنگ؛ مورد مطالعه: تجاری‌سازی محصولات جانبی انیمیشن» با بررسی موضوع تجاری‌سازی شخصیت‌های انیمیشنی به‌عنوان موضوع زیرمجموعه اقتصاد فرهنگی، معتقدند که این حوزه به‌طور کل مورد غفلت واقع شده است که نماد عدم موفقیت آن تجاری‌سازی

بررسی تطبیقی رابطه توسعه اقتصاد فرهنگ و نظم در جامعه ۵

محصولات با شخصیت‌های خارجی است. آنان نقش تولیدکنندگان انیمیشن و نهادهای حاکمیتی به‌عنوان بستر ساز را کلیدی دانسته و در نهایت توصیه‌هایی را در حوزه سیاست‌گذاری به نهادهای حاکمیتی می‌دهند.

ناظمی اردکانی و محمد صیادی (2014) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی وضعیت مؤلفه‌های اقتصاد فرهنگ در ایران؛ مقایسه تطبیقی با کشورهای منتخب دنیا و ارائه راهکارهای بهبود وضعیت اقتصاد فرهنگ در کشور»، اقتصاد فرهنگ را به‌کارگیری نظریه‌های اقتصادی در تولید، توزیع و مصرف کالاهای فرهنگی و تخصیص بهینه منابع تعریف کرده و در یک بررسی تطبیقی در مورد اقتصاد برخی صنایع فرهنگی نظیر نشر، سینما، هنرهای تجسمی و گردشگری در سطح کشورهای منتخب منطقه‌ای در جهان و ایران و تجزیه و تحلیل آن به این نتیجه می‌رسند که کشور ایران به لحاظ وضعیت مؤلفه‌های اقتصاد فرهنگ، نه تنها در مقایسه با استانداردهای جهانی، بلکه در مقایسه با کشورهای سند چشم‌انداز نیز از موقعیت مناسبی برخوردار نیست.

سپهرنیا و همکاران (2012) در پژوهشی با عنوان «بررسی جایگاه صنایع فرهنگی خلاق و رابطه آن با ارتقا سرمایه فرهنگی در ایران»، به بررسی جایگاه و رابطه میان شاخص‌های صنایع فرهنگی خلاق با ارتقای سرمایه فرهنگی در میان ۳۵۰ نفر از مدیران ارشد و کارشناسان فرهنگی در سازمان و معاونت‌های فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی در ۳۱ استان کشور از طریق نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای به پیمایش می‌پردازند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بین صنایع فرهنگی خلاق و ارتقای سرمایه فرهنگی در ایران همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد و شاخص‌های صنایع فرهنگی خلاق به درستی می‌توانند ارتقای سرمایه فرهنگی در ایران را به‌ویژه در شرایط موجود پیش‌بینی نمایند.

در میان مطالعات خارجی، در سال 2015 اولین نقشه جهانی صنایع فرهنگی و خلاق با عنوان (Cultural times) با مشارکت یونسکو و کنفدراسیون بین‌المللی نویسندگان و آهنگسازان (CISAC) و موسسه ارنست و یانگ (EY) تهیه شده است که در با معرفی ۱۱ صنعت فرهنگی و خلاق در جهان به بررسی وضعیت صنایع فرهنگی و اقتصاد آن در ۵ منطقه مختلف جهان از جمله آمریکا و کانادا، اروپا، آسیا-اقیانوسیه، آمریکای لاتین و آفریقا و خاورمیانه می‌پردازند.

خانم پروفیسور روث تاووز (2010)، استاد اقتصاد صنایع خلاق در مطالعه‌ای با عنوان «اقتصاد فرهنگ» به بررسی مباحث انتخاب اجتماعی و اقتصاد هنجاری، بازار کالاها و خدمات فرهنگی، سازمان اقتصادی و ارزیابی خطومشی‌های فرهنگی می‌پردازد. هدف وی

توسعه دامنه اقتصاد فرهنگ به چیزی فراتر از صنایع خلاق و مسائل قانون حق نشر و پرداختن به جنبه‌های اقتصادی کالاها و خدمات فرهنگی بوده است.

اندی پرات (2004) در مطالعه‌ای با عنوان «اقتصاد فرهنگ نیازمند رویکردهای تولید فرهنگی» به این موضوع می‌پردازد که در تجزیه و تحلیل اقتصاد فرهنگ مصرف بیش از حد در اولویت قرار گرفته و لازم است به بحث تولید فرهنگی در قالب بحث مادی کالاهای فرهنگی نیز توجه شود. وی با استفاده از دیدگاه‌های تولید فرهنگی و زمینه‌های مرتبط با آن در اقتصاد فرهنگ نظیر اقتصاد جدید و اقتصاد خلاقیت و همچنین انتقاد به نظریات مارکسیستی در مورد مصرف فرهنگی به بررسی موضوع می‌پردازد.

دیوید تراسبی (2001) در مطالعه خود با عنوان «اقتصاد و فرهنگ» که در قالب کتاب منتشر شده است، به بررسی مفاهیم اقتصاد و فرهنگ و نظریه‌های ارزش و مصرف کالاهای فرهنگی، سرمایه فرهنگی، نقش فرهنگ در توسعه اقتصادی، صنایع فرهنگی و ... می‌پردازد. «سیاست اقتصاد فرهنگ» اثر دیگری از وی در سال 2010 می‌باشد که هدف وی در این اثر پر کردن خلأ موجود در ادبیات سیاست فرهنگی از طریق تجزیه و تحلیل فرآیند سیاست‌گذاری فرهنگی از منظر کلان اقتصادی می‌باشد.

نزدیک‌ترین کار مشابه به این تحقیق کار ناظمی اردکانی و صیادی بوده که یک تحقیق توصیفی است و عنوان نسبتاً مشابهی دارد، اما علاوه بر تفاوت زمان بررسی، اساساً به دلیل نوع نگرش و تعاریف متفاوت از مفاهیم و کشورهای مورد بررسی با تحقیق حاضر و نتایج آن کاملاً متفاوت می‌باشد. تحقیق حاضر مدعی است اساساً توسعه نیافتگی در کل و توسعه نیافتگی اقتصاد فرهنگ متأثر از اختلال کارکردی یا بی‌نظمی در جامعه بوده و این رویکرد نو موجب شده که جنبه نظری متفاوت جدیدی برای بررسی مفاهیم در نظر گرفته و نتایج متفاوت جدیدی از تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده است به دست آید. در این تحقیق به پیش‌بینی احتمال وقوع توسعه اقتصاد فرهنگ نیز پرداخته شده است که در هیچ یک از تحقیقات انجام شده وجود ندارد.

مبانی نظری

فرضیه اصلی این تحقیق رابطه مثبت توسعه اقتصاد فرهنگ و نظم در جامعه است. فرض بر آن است که هرچه نظم در جامعه بیشتر باشد اقتصاد فرهنگ توسعه یافته‌تر خواهد بود. بدین منظور ابتدا مفاهیم اقتصاد فرهنگ، نظم در جامعه و توسعه را تعریف و تشریح می‌کنیم و سپس به بیان رابطه آن‌ها می‌پردازیم.

توسعه اقتصاد فرهنگ

اقتصاد الگوهای ارتباطی نسبتاً ثابت شبکه‌ای از کنشگران (تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات) برای کاربرد بهینه‌ی منابع، به‌ویژه منابع کمیاب و کسب بیشترین سرمایه‌اقتصادی در سطوح مختلف، در بستری فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی، جغرافیایی و اقلیمی است (Parchami & Jalali, 2016:70). اقتصاد الگوهای بهینه‌ی نسبتاً باثبات کنش مبادله‌ای انواع سرمایه‌ها با سرمایه‌اقتصادی و یا بالعکس است.

فرهنگ شیوه‌های ارضا نیاز ماندگار یک واحد اجتماعی است که در طول زمان مبتنی بر یک جهان‌بینی شکل گرفته باشد. فرهنگ شیوه‌های ارضای نیازها در یک واحد اجتماعی، برای نیل به هدف غایی حیات انسان است که متناسب با اقلیم و مبتنی بر یک جهان‌بینی بوده و حداقل بیش از یک نسل دوام آورده باشد. پیشرفت علم و فناوری بشر به‌مرور، اثرات اقلیم را کمتر و شباهت‌های فرهنگی را بیشتر نموده است.

از کنار هم قرار گرفتن دو مفهوم اقتصاد و فرهنگ، ترکیب‌های مختلفی به‌دست می‌آید که دارای معانی متفاوتی هستند. فرهنگ اقتصادی^۱، اقتصاد فرهنگ^۲ و اقتصاد فرهنگ^۳ عباراتی هستند که لازم است مورد مذاقه قرار گیرند. علاوه بر این، مفاهیم دیگری مثل صنعت فرهنگ، صنایع فرهنگی و صنایع خلاق نیز در این حوزه به‌کار می‌رود که شباهت‌ها، تفاوت‌ها و نسبت‌هایی با هم و با اقتصاد فرهنگ دارند.

عموماً اقتصاد فرهنگ با رویکردی اقتصادی تعریف و فعالیت‌های فرهنگی و هنری نیز فرصتی برای کسب درآمد و ثروت به‌حساب می‌آیند و با روش‌های اقتصادی تحلیل و تبیین می‌شوند. با این رویکرد، اقتصاد فرهنگ شاخه‌ای از اقتصاد است که در آن از علم اقتصاد و نظریه‌ها و ابزارهای آن برای تحلیل چگونگی تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات فرهنگی استفاده می‌شود. در این رویکرد اقتصاد فرهنگ بخشی از اقتصاد است که معطوف به فعالیت‌ها و تولیدات فرهنگی است (Pratt, 2009: 407).

اقتصاد فرهنگ از یک طرف به بررسی و شناسایی عوامل اقتصادی مؤثر بر تولید و توزیع، عرضه و تقاضا، مصرف، قیمت، شرایط بازار و عوامل تولید (نیروی کار، سرمایه تجهیزات و امکانات) فعالیت‌های فرهنگی می‌پردازد و از سوی دیگر، تأثیر و سهم

1. Economic Culture
2. Economics of Culture
3. Cultural Economy-Cultural Economics

فعالیت‌های فرهنگی را در سیستم اقتصادی یک جامعه بررسی و تعیین می‌کند (Ginsburgh, 2000:61) که نشان‌دهنده رابطه‌ی مستقیم و غیرمستقیم میان اقتصاد و فرهنگ است.

در جامعه‌شناسی اقتصادی در تجزیه و تحلیل مفهوم اقتصاد فرهنگ علاوه بر متغیرها و عوامل اقتصادی، به عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز توجه می‌شود. اقتصاد به‌عنوان نوعی کنش، تنها تابع قانون‌مندی‌های ناب اقتصادی نیست، بلکه علاوه بر قانون‌مندی‌های اقتصادی، قانون‌مندی‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هم بر آن تأثیرگذارند.

با توجه به تعاریفی که از اقتصاد، فرهنگ و اقتصاد فرهنگ ارائه شد می‌توان گفت: اقتصاد فرهنگ نظام منسجمی از نقش‌ها، موقعیت‌ها، شبکه‌ها، کنشگران و الگوهای ارتباطی است که هم در پی کسب بیشترین سرمایه اقتصادی از طریق تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات فرهنگی است و هم می‌تواند به افزایش سرمایه فرهنگی کمک نماید. اقتصاد فرهنگ، الگوهای ارتباطی شبکه‌ای از کنشگران در عرصه‌ی تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات فرهنگی است که با به‌کارگیری بهینه منابع، به‌ویژه منابع کمیاب به دنبال کسب مستمر بیشترین سرمایه اقتصادی از سرمایه فرهنگی در سطوح مختلف و در شرایطی خاص می‌باشد. اقتصاد فرهنگ، الگوهای نسبتاً ثابت کنش برای کسب سرمایه اقتصادی از تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات فرهنگی است.^۱

هدف اقتصاد فرهنگ نمی‌تواند صرف کسب سرمایه اقتصادی باشد، بلکه لازمه آن توجه به تولید سرمایه فرهنگی است (Throsby, 2014:67). در غیر این صورت احتمال کسب ثروت از اقلامی که ظاهراً در کالاهای فرهنگی جای می‌گیرند اما اساساً ماهیت غیر فرهنگی دارند مانند فیلم‌های غیر اخلاقی، می‌توانند در اقتصاد فرهنگ جای گیرد.

«صنعت فرهنگ»^۲ مفهوم مرکزی اقتصاد فرهنگ است. از یک منظر فرهنگ به جنبه‌های فکری، اخلاقی و هنری زندگی انسان و محصولات مرتبط با این فعالیت‌ها مربوط می‌شود. در چنین کاربردی این واژه بیشتر به صورت «صنعت فرهنگ» یا «صنایع فرهنگی» به کار می‌رود (Ibid: 23). اصطلاح «صنعت فرهنگ» پس از جنگ جهانی دوم توسط

۱- لازم به یادآوری است که چون تحقیق انجام شده تطبیقی و سطح تحلیل آن کلان می‌باشد و توسعه اقتصاد فرهنگ به‌عنوان صفت جامعه در نظر گرفته شده و امکان مقایسه چگونگی کنش کنشگران عرصه اقتصاد فرهنگ (سطح خرد) کشورها ممکن نمی‌باشد، با رعایت جوانب مختلف احتیاط علمی، چگونگی و اندازه کسب سرمایه اقتصادی از تولید و توزیع و مصرف کالا و خدمات فرهنگی را معرف توسعه اقتصاد فرهنگ گرفته‌ایم.

آدورنو^۱ و هورکهایمر^۲ در انتقاد به ساختار تولید انبوه کالاهای فرهنگی با هدف سرگرمی مطرح شد. آن‌ها منتقد قدرت شرکت‌های بزرگ در به انحصار درآوردن تولید انبوه کالای فرهنگی با اهداف اقتصادی و بر اساس ارزش‌های مادی حاکم بر مبادله این کالاها در بازار و بی‌توجهی به ارزش ماهیت و محتوای فرهنگی آن‌ها هستند. از نظر آن‌ها صنعت فرهنگ به‌منظور تولید و مصرف انبوه و عمومی شدن مصرف کالا و محصولات فرهنگی در جامعه، موجب تخریب فرهنگ و تنزل سطح کالاهای فرهنگی شده است (Adorno & Horkheimer, 2005:249, 253).

در رویکردهای جدید «صنعت فرهنگی»^۳ صنعتی است که به خلق ایده، تولید و توزیع محصولاتی که ماهیت فرهنگی دارند می‌پردازد (Oakely & O'Conner, 2015:13). در هسته مرکزی صنعت فرهنگ، صنعت خلاق^۴ است و شامل موسیقی، تئاتر، ادبیات، هنرهای تجسمی، صنایع دستی و اشکال جدیدتر مثل هنر اجرا، کامپیوتر و رسانه می‌شود. صنایع خلاق، صنایعی هستند که منشأ آن‌ها در خلاقیت، مهارت و استعداد فردی است و دارای توان بالقوه برای ایجاد شغل و ثروت می‌باشند (Throsby, 2014:145). کالای فرهنگی اشیاء و خدماتی است که برای ارتقا سرمایه فرهنگی اعضای جامعه در فرآیند مبادله با کالاها و خدمات دیگر اعم از فرهنگی یا غیرفرهنگی معاوضه می‌گردد. یونسکو فعالیت‌هایی که هدف اصلی آن‌ها تولید، بازتولید، ارتقا، توزیع یا تجاری‌سازی کالاها، خدمات و فعالیت‌های مربوط به فرهنگ، هنر یا میراث فرهنگی است را صنایع فرهنگی می‌نامد. فعالیت فرهنگی درآمدزا به ۱۱ صنعت فرهنگی تقسیم و شامل فیلم، کتاب، موسیقی، هنرهای تجسمی، هنرهای نمایشی، بازی‌های دیجیتال، تلویزیون، رادیو، روزنامه و مجله، معماری و تبلیغات می‌شود (UNESCO-UIS, 2012:16).

در عمل استفاده از واژه صنعت درباره فرهنگ، بر فرایندهای اقتصادی تولید (اعم از تولید معنوی فرهنگ و تبدیل آن به کالای مادی فرهنگی)، توزیع، عرضه، خرید و مصرف کالا و خدمات فرهنگی تأکید دارد. فعالیت‌های فرهنگی که این فرایند و چرخه اقتصادی را به‌طور متعادل و متناسب با شرایط فرهنگی و اقتصادی طی می‌کنند، نشانه توسعه اقتصاد فرهنگ و می‌توانند نقش مهمی در اقتصاد و فرهنگ کشور داشته باشند.

1. Theodor Adorno
2. Max Horkheimer
3. Cultural industry
4. Creative industries

توسعه و بهگشت اجتماعی نوعی خاص از تغییر اجتماعی است. به یک معنا توسعه تغییر سازنده و تکاملی است؛ نوعی نفی اثباتی است (Chalabi, 2010:226). توسعه بیانگر حرکت مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی اعضا و گروه‌های اجتماعی جامعه از حالت نامطلوب به حالتی که از نظر مادی و معنوی بهتر است می‌باشد (Todaro, 2012:135). توسعه یا پیشرفت، فرآیند ارتقاء مستمر و متعادل تولید، توزیع و مصرف انواع سرمایه‌ها در سطوح مختلف برای نیل به هدف غایی خلقت انسان است (Parchami, 2011:79). بر این اساس توسعه اقتصاد فرهنگ فرایند ارتقاء مستمر و متعادل تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات فرهنگی در سطوح مختلف است.

برای سنجش توسعه اقتصاد فرهنگ با توجه به روش مطالعه و داده‌های در دسترس، از معرف‌های درآمد صنایع فرهنگی فیلم، موسیقی، کتاب و بازی‌های دیجیتال، سهم صنایع فرهنگی در GDP، بودجه بخش فرهنگ، میزان صادرات و واردات کالاهای فرهنگی، میزان شاغلین و تحصیل‌کردگان این بخش استفاده شده است.

سرمایه، نظم در جامعه و توسعه اقتصاد فرهنگ

پیشرفت زمانی محقق می‌شود که در جامعه نظم به معنی تناسب هنجارها با هدف غایی خلقت انسان و رعایت و تعهد به هنجارها در ایفای نقش‌های اجتماعی در سطح خرد و هماهنگی و همسویی نهادها در سطح کلان حاکم باشد. از آنجاکه ارتقاء تولید، توزیع، مصرف و مبادله سرمایه‌ها از عناصر اصلی پیشرفت و نظم در جامعه هستند در تبیین این مفاهیم لازم است به تشریح سرمایه و انواع و ابعاد آن و نقش آن‌ها در نظم و توسعه اقتصاد فرهنگ بپردازیم.

برای تشریح نظم لازم است از هنجار شروع کنیم. هنجار، قواعد ارتباط کنشگران با خود، با دیگران، با محیط و با خداوند است و نقش اجتماعی هنجارهای مورد انتظار از یک عامل و یا کنشگر در یک موقعیت اجتماعی ایفای نقش می‌باشد. نهاد اجتماعی نیز مجموعه‌ای از هنجارهای نقش‌های اجتماعی (Tavassoli, 2010:192) مرتبط با هم برای ارضای یک نیاز خاص است که در طول زمان تثبیت شده‌اند. کیفیت ایفای نقش متأثر از سرمایه‌های مصرف‌شده کنشگر در ایفای نقش است و سرمایه‌های مکتسبه از نقش نیز تابع کیفیت و اهمیت ایفای نقش می‌باشد. لازم است مفهوم سرمایه و انواع آن و رابطه آن با نقش و نظم و توسعه مورد بررسی قرار گیرد.

سرمایه

سرمایه حق مالکیت انباشته در موقعیت‌های اجتماعی است که با ایفای نقش‌های اجتماعی بالفعل می‌شود و کمیت و کیفیت آن تابع اهمیت و کیفیت ایفای نقش است. سرمایه‌ها تبدیل‌پذیر، انتقال‌پذیر، بازتولید شونده و اشباع‌ناپذیرند. متأثر از شرایط فرهنگی و اجتماعی جوامع می‌توانند دارای سلسله‌مراتب باشند. نافذ بر شاکله شخصیتی افراد و تنظیم‌کننده کنش متقابل کنشگران (رفتار اجتماعی مالک آن‌ها و دیگران با مالک آن‌ها) است. حلال و یا حرام بودن سرمایه‌ها با میزان انطباق آن‌ها با هنجارها و ارزش‌های پذیرفته شده‌ی همسو با هدف غایی خلقت انسان تعیین می‌شود. سرمایه‌های مکتسبه از نقش‌های پیشین زمینه کسب موقعیت‌های اجتماعی با انباشتگی سرمایه‌های بیشتر ایفای نقش‌اند و این سازوکار بازتولید سرمایه‌هاست. استفاده بهینه از سرمایه‌های موجود در ایفای نقش‌های اجتماعی، سرمایه‌های بیشتری را برای عاملان تولید می‌کند. هر موقعیت اجتماعی حاوی انباشتی از انواع سرمایه‌هاست که بالفعل نمودن آن تابع رابطه $C=f(Ir+Qr)(Ec+Cc+Sc+Pc)$ است. میزان سرمایه‌ها ($Capital = C$) متأثر از نظام ارزشی جوامع، تابع اهمیت نقش ($Importance\ of\ the\ role = Ir$) و کیفیت ایفای نقش ($Quality\ of\ the\ role = Qr$) و مجموع سرمایه‌های اقتصادی ($Economic\ capital=Ec$)، فرهنگی (Cultural capital=Cc)، اجتماعی ($Social\ capital=Sc$) و سرمایه‌سیاسی ($Political\ capital=Pc$) انباشته موقعیت اجتماعی ایفای نقش است. اهمیت نقش به سطح استراتژیک بودن آن یا ظرفیت تصمیم‌سازی و سیاست‌گذار بودن نقش و خطیر بودن آن که کمیابی کنشگران آماده پذیرش نقش و تقاضای بیشتر برای کارکرد نقش (وسعت جغرافیایی و جمعیتی) را نشان می‌دهد بستگی دارد؛ و کیفیت ایفای نقش به معنی چگونگی عرضه کارکرد نقش است که مبتنی بر کاربرد بهینه سرمایه‌های موجود کنشگران در رعایت هنجارها و ارزش‌های مرتبط با نقش و پاسخگویی بهینه به نیازهاست.

نهادها مجموعه‌ای از نقش‌های مرتبط هستند که در درون خود انباشتی از انواع سرمایه‌ها را داشته و متناسب با اهمیت و چگونگی ایفای آن‌ها و تبادل سرمایه‌ها بین نهادها موجب تعادل کارکردی خود و تسهیل کارکردی سایر نهادها می‌شوند. تعادل کارکردی، تولید و توزیع اندازه‌ای از سرمایه خاص آن نهاد و مصرف سرمایه‌های دیگر است که بتواند نیازهای کنشگران را ارضاء نموده و نظم کارکردی را بر نهادهای جامعه حاکم و دستیابی به اهداف جامعه را محقق نماید. نهادها زمانی تعادل و نظم کارکردی و یا توان پاسخگویی به نیازها را دارند که عاملان آن‌ها در نقش‌های خود سرمایه‌های بیشتری را

مصرف، مبادله و تولید نمایند. هرچه مبادله سرمایه در نقش‌های یک نهاد بیشتر باشد، نظم در جامعه بیشتر و هر چه نظم بیشتر باشد، سرمایه تولید شده آن نهاد و سرمایه تولیدی نهادهای دیگر بیشتر و در نتیجه پیشرفت و توسعه محتمل‌تر خواهد بود (Parchami, 2011:80-81)

ممکن است این دیدگاه به نوعی تقلیل‌گرایی و نادیده انگاشتن ضرورت هماهنگی و هم‌سویی نهادها، پویایی نظم و یا جانب‌داری از نظم موجود و یا ایستا متهم شود. در حالی که هماهنگی و هم‌سویی نهادها، ضرورت تغییر در نظم موجود و پویایی نظم، در تناسب هنجارهای نقش‌ها نهفته و رعایت آن‌ها شرط و هدف بهره‌مندی بیشتر از سرمایه‌های انباشته شده در موقعیت‌های اجتماعی و نقش‌های مرتبط با آن‌ها برای حفظ و ارتقاء طبقه و پایگاه اجتماعی کنشگران است.

هرچه کنشگران در ایفای نقش خود (رعایت هنجارهای متناسب مرتبط با نقش) سرمایه‌های بیشتری مصرف کنند، در تحقق اهداف نظام اجتماعی مؤثرترند و در نتیجه هم خودشان سرمایه‌های جدید بیشتری به دست خواهند آورد و هم توسعه و پیشرفت جامعه محقق می‌شود.

با تأکید بر تناسب هنجارها و ارزش‌ها و رعایت آن‌ها در ایفای نقش‌ها، می‌توان گفت نظم در جامعه وضعیتی است که نهادهای اجتماعی قابلیت تولید، توزیع، مصرف و مبادله انواع سرمایه‌های (حداقل سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی) مورد نیاز را در سطوح خرد، میانه و کلان داشته و با تبادل آن‌ها موجب تسهیل کارکردی نهادها، در پاسخگویی به نیازهای همسو با هدف غائی خلقت انسان‌ها شده و از اختلال در آن جلوگیری می‌کنند.

تحت این شرایط سرمایه‌ی تولید، توزیع، مصرف و مبادله شده‌ی هر خرده‌نظام که از نهادهای متعدد تشکیل شده، به اندازه‌ای خواهد بود که موجب تسهیل کارکردی خود و دیگر خرده‌نظام‌های جامعه شده و از اختلال در روابط متقابل خود با آن‌ها جلوگیری می‌کند (Parsons, 1951:1-9). به عبارتی، میزان سرمایه‌های تولید و مبادله شده در خرده‌نظام‌های اقتصاد، اجتماع، فرهنگ و سیاست معرف نظم و پیشرفت جامعه می‌باشد.

از این رو می‌توان نظم در جامعه را به ظرفیت تولید، توزیع، مصرف و مبادله انواع سرمایه‌ها تقلیل داده و آن را بستر توسعه و پیشرفت در نظر بگیریم. توسعه اقتصاد فرهنگ که در این مقاله در سطح کلان بررسی می‌شود متأثر از چگونگی نظم در جامعه و یا چگونگی تولید، توزیع، مصرف و مبادله انواع سرمایه‌هاست. هرگونه اختلال در این روابط

۱۳ بررسی تطبیقی رابطه توسعه اقتصاد فرهنگ و نظم در جامعه

می‌تواند روند توسعه اقتصاد فرهنگ را مختل و جامعه را با پیامدهای توسعه نیافتگی آن مواجه نماید.

ابعاد نظم و انواع سرمایه‌ها

سرمایه و نظم اقتصادی

اقتصاد (کنش) مبادله‌ی بهینه انواع سرمایه‌ها با سرمایه اقتصادی و مهم‌ترین کارکرد خرده‌نظام اقتصاد، تولید سرمایه اقتصادی است. سرمایه اقتصادی مالکیت اموال منقول و غیرمنقول قابل تبدیل به پول می‌باشد (Bourdieu, 1986: 244). نظم اقتصادی وجود تعادل در خرده‌نظام اقتصاد و اجزای آن، یا تولید، توزیع و مصرف مستمر و متعادل کالا و خدمات مورد نیاز جهت ارضای نیازهای اعضای جامعه و تأمین منابع اقتصادی سایر نهادها به گونه‌ای که کارکردهای آن‌ها تسهیل شود، می‌باشد.

به عبارت دیگر نظم اقتصادی وضعیتی است که کنشگران اقتصادی به گونه‌ای ایفای نقش می‌نمایند که نهاد اقتصاد در روابط خود با نهادهای دیگر جامعه با اختلال کارکردی مواجه نشود و نوعی تعادل در ستانده‌ها و داده‌های آن با نهادهای دیگر وجود داشته و موجب نیل جامعه به اهداف خود گردد. در این شرایط نهاد اقتصاد با افزایش تولید سرمایه اقتصادی در سطوح خرد، میانه و کلان مواجه و به عبارتی دیگر شاهد رشد اقتصادی جامعه خواهیم بود. تناسب هنجارها برای غلبه حسابگری مقتصدانه در کنش اقتصادی و حفظ استقلال نهاد اقتصاد و عدم تداخل در نهادهای دیگر و رشد اقتصادی حاصل از آن، می‌تواند زمینه توسعه اقتصاد فرهنگ باشد و هرچه نظم اقتصادی بیش‌تر و قوی‌تر باشد احتمال توسعه اقتصاد فرهنگ نیز افزایش می‌یابد.

در کشورهای توسعه نیافته بین بخش اقتصاد و بخش‌های دیگر جامعه اختلال کارکردی وجود دارد (Chalabi, 2010:154). عدم تأمین سرمایه و منابع مالی در بخش‌های مختلف اقتصاد فرهنگ مانند تأمین هزینه تحقیق و توسعه و نوسازی فناوری‌های مورد نیاز آن، از مشکلاتی است که در رابطه اقتصاد و اقتصاد فرهنگ می‌تواند مانع توسعه و رونق متقابل آن‌ها شود. در سطح کلان تناسب هنجارهای اقتصادی برای سرمایه‌گذاری، سهولت فعالیت در تولید، توزیع، مصرف و مبادله کالا و خدمات و رشد سرمایه اقتصادی ناشی از آن زمینه تسهیل و تبدیل سرمایه فرهنگی به کالا و خدمات فرهنگی و در نتیجه رونق و توسعه اقتصاد فرهنگ می‌شود.

سرمایه و نظم اجتماعی

مهم‌ترین کارکرد خرده‌نظام اجتماع، تولید سرمایه‌اجتماعی است. سرمایه‌اجتماعی بزرگداشت و وثوق، یا احترام و اعتماد حاصل از انباشت تعاملات پیش‌بینی‌پذیر منطبق بر هنجارها و ارزش‌ها در ایفای نقش کنشگران است. تداوم و تکرار استفاده از سرمایه‌های موجود در ایفای نقش‌های کنشگران، رعایت هنجارها و ارزش‌های نقش را بیشتر و کنش آنان را پیش‌بینی‌پذیرتر نموده و سرمایه‌اجتماعی آن‌ها را می‌افزاید.

نظم اجتماعی وضعیتی است که در آن تناسب هنجارها و پایبندی به آن‌ها در ایفای نقش‌های اجتماعی به‌گونه‌ای باعث تولید، توزیع، مصرف و مبادله سرمایه اجتماعی در سه سطح خرد، میانه و کلان می‌گردد که موجب تسهیل کارکردی نهادها گشته و از بروز اختلال کارکردی در آن‌ها پیشگیری کند. سرمایه اجتماعی در سطوح مختلف زمانی تولید می‌شود که نظم اجتماعی بر جامعه حاکم باشد و به عبارتی تولید احترام و اعتماد در حداکثر ممکن باشد. وجود نظم اجتماعی در جامعه به معنی آن است که در نهادهای مختلف ایفای نقش‌های اجتماعی کنشگران به‌گونه‌ای صورت می‌گیرد که انطباق کنش آن‌ها با هنجارها قابل پیش‌بینی است. سرمایه‌اجتماعی عامل پیوند اجتماعی است و کمبود و ضعف آن موجب اختلال در روند علقه اجتماعی و همبستگی اعضای جامعه برای مشارکت در توسعه کشور (Chalabi, 2010:160) و از جمله در عرصه اقتصاد فرهنگ (تولید یا مصرف کننده کالا و خدمات فرهنگی) می‌شود. کمبود سرمایه‌اجتماعی مانعی برای شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی است که می‌توانند در توسعه اقتصاد فرهنگ نقش داشته باشند. در سطح کلان اعتماد، انسجام و یکپارچگی اجتماعی در جامعه معرف‌های سرمایه‌اجتماعی محسوب می‌شوند (The Sustainable Competitiveness Report, 2017:39).

سرمایه و نظم فرهنگی

مهم‌ترین کارکرد خرده‌نظام فرهنگ، تولید سرمایه‌فرهنگی است. سرمایه‌فرهنگی آگاهی (دانش، شناخت، هنر، مهارت، تجربه) نافع (رشاد، 1384: 8) در ایفای نقش‌های کنشگران است و موجب تنظیم و ارتقاء تعاملات آنان با خود، دیگران، محیط و خداوند می‌شود. سرمایه‌فرهنگی عامل دستیابی به اهداف انسان، هم‌سو با هدف غایی خلقت او می‌گردد. سرمایه‌فرهنگی آگاهی مفید مکتسبه از ایفای نقش در موقعیت‌های اجتماعی، توانایی تولید و کاربرد، شناخت، دانش و کالاهای مرتبط با آن می‌باشد، همچنین تملک، انباشت

۱۵ بررسی تطبیقی رابطه توسعه اقتصاد فرهنگ و نظم در جامعه

(Bourdieu, 1986: 28) و مصرف انواع کالاهای فرهنگی (Throsby, 2014:68) در تعریف سرمایه فرهنگی مورد توجه است.

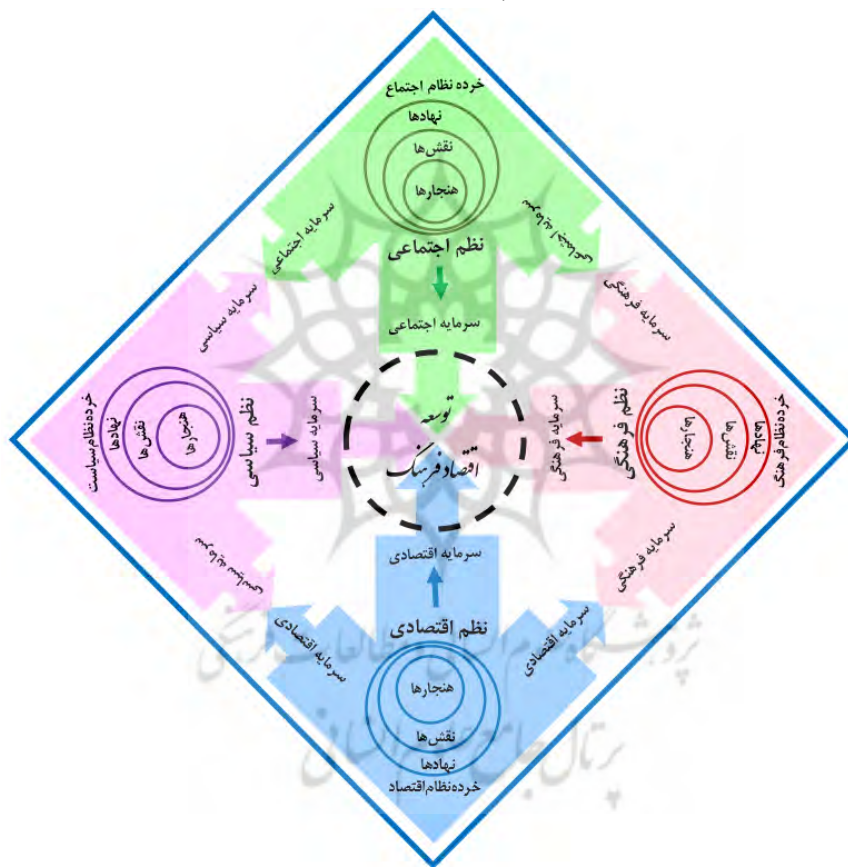
نظم فرهنگی وضعیتی است که در آن تناسب هنجارها و پایبندی به آن‌ها در ایفای نقش‌های اجتماعی به‌گونه‌ای موجب تولید، توزیع، مصرف و مبادله سرمایه فرهنگی در سطوح مختلف می‌گردد که تسهیل کارکردی نهادها و پیشگیری از اختلال کارکردی آن‌ها را در پی داشته باشد. به عبارتی نظم فرهنگی وضعیتی است که در آن تولید آگاهی نافع در حداکثر ممکن و در هماهنگی کامل با تولید، توزیع، مصرف و مبادله سایر سرمایه‌ها باشد. در سطح کلان میزان برخورداری یک کشور از عواملی که در رشد کمی و کیفی سرمایه فرهنگی اعضای جامعه خود و دیگری نقش دارد نیز سرمایه فرهنگی محسوب می‌شود و مبنای ضریب نفوذ فرهنگی آن کشور است. وجود بیشتر این عوامل به معنی به‌کارگیری و استفاده بیشتر آن‌هاست و این امر در تولید سرمایه فرهنگی نقش خواهد داشت.

نقصان تربیت هنرمندان و علاقه‌مندان به فرهنگ و هنر، آموزش و پژوهش و کاربرد نتایج آن‌ها، ضعف و نقصان در جامعه‌پذیری فرهنگی اعضا و ضعف در هویت ملی از اختلالات نظام فرهنگی است که می‌تواند توسعه نیافتگی اقتصاد فرهنگ را در پی داشته باشد.

سرمایه و نظم سیاسی

مهم‌ترین کارکرد خرده‌نظام سیاسی، تولید سرمایه سیاسی یا قدرت است. سرمایه سیاسی توان اعمال میل و اراده خود و ممانعت از اعمال میل و اراده دیگری در ایفای نقش در یک موقعیت مربوط به اداره امور جامعه است. نظم سیاسی وضعیتی است که در آن سرمایه سیاسی در سطوح خرد، میانه و کلان به میزانی تولید شود که موجب تسهیل کارکردی سایر اجزای نظام اجتماعی شده و از اختلال کارکردی در سایر اجزا جلوگیری کند. این وضعیت زمانی حاصل می‌گردد که هنجارهای نقش‌های اجتماعی در نهاد سیاست به‌گونه‌ای تنظیم شوند که هم‌زمان مانع استبداد و هرج و مرج گردند. در این تعریف خود و دیگری می‌تواند در سطح خرد افراد، در سطح میانه گروه‌ها و سازمان‌ها و نهادها و در سطح کلان جامعه یا کشور باشد. اتخاذ رویکرد هدایت، حمایت و نظارت و باقی بودن در سطح راهبردی و پرهیز از تصدی‌گری و دخالت اجرایی دولت در حوزه فرهنگ و اقتصاد می‌تواند از عوامل مهم توسعه اقتصاد فرهنگ باشد. اساساً حفاظت از رقابت و مقابله با هر نوع انحصار

مناسب‌ترین معیار اندازه و چگونگی دخالت در امور اقتصادی است. سرمایه‌سیاسی در سطح کلان با پاسخگویی دولت، انتخابات عادلانه، عدم فساد، مشارکت‌سیاسی، حاکمیت قانون، آزادی و سطح دموکراسی (Methodology Report Legatum, 2018:9) بررسی شده‌اند. وجود نظم در چهار بعد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به معنی تولید، توزیع و مصرف بهینه انواع سرمایه‌ها و نشان‌دهنده توسعه و وجود بستر مناسب برای پیشرفت جامعه در ابعاد مختلف از جمله در توسعه اقتصادفرهنگ است. مدل ذیل گویای وضعیت نظم در جامعه و رابطه آن با توسعه اقتصادفرهنگ است.



مدل ۱: روابط خرده نظام‌های اجتماعی و تولید سرمایه‌های آن‌ها و توسعه اقتصادفرهنگ
Model 1: The relationship between social subsystems and the production of their capital and the development of Economics of culture

روش تحقیق

از آن جاکه هر دو متغیر اصلی مورد بررسی در این تحقیق (نظم در جامعه و توسعه اقتصاد فرهنگ) صفت جامعه و در سطح کلان تحلیل هستند، در این مطالعه با روش تحلیل تطبیقی- کمی رابطه نظم در جامعه و ابعاد آن و توسعه اقتصاد فرهنگ بررسی شده است. برای بالابردن توان تبیین نظری فرضیه تحقیق، ابتدا تصمیم به انتخاب دو گروه کشورهای با اقتصاد فرهنگ پیشرفته، کشورهای رشد یافته و توسعه نیافته در اقتصاد فرهنگ گرفته شد، اما در مرحله جمع آوری داده‌ها متوجه شدیم که کشورهای توسعه نیافته دارای اطلاعات ثبت شده اقتصاد فرهنگ و نظم و ابعاد آن نیستند؛ بنابراین به دو گروه دیگر بسنده شد. بر اساس معرف‌های توسعه یافتگی اقتصاد فرهنگ، دو گروه پیشرفته‌ترین (۱۰ کشور اول) و رشد یافته‌ترین (۱۰ کشور اول) کشورهای جهان تعیین شدند. (از این پس کشورهای بالاترین اقتصاد فرهنگ را کشورهای پیشرفته و کشورهای با بالاترین نرخ رشد در اقتصاد فرهنگ را کشورهای رشد یافته می‌نامیم). دو گروه کشورهای مورد بررسی در جدول ذیل درج شده‌اند.

جدول ۲: ۱۰ کشور پیشرفته و رشد یافته در اقتصاد فرهنگ

Table 2: 10 developed and grown countries in Economics of culture

رتبه	پیشرفته	رشد یافته
1	چین	هنگ کنگ
2	آمریکا	ترکیه
3	انگلیس	تایلند
4	سوئیس	مالزی
5	آلمان	ویتنام
6	فرانسه	کره جنوبی
7	ایتالیا	برزیل
8	ژاپن	مکزیک
9	کانادا	شیلی
10	هلند	اندونزی

در مورد ایران هم به دلیل نبود داده منسجم و معتبر، برخی داده‌ها از طریق مراجعه به اخبار مربوطه و از سوی مسئولین جمع آوری شد.

با توجه به تعاریف نظری مفاهیم، بررسی متغیرها با استفاده از شاخص‌های منابع اطلاعاتی معتبر و برخی دیگر نیز با فراتحلیل داده‌های بین‌المللی انجام شده است. رابطه

نظم در جامعه و توسعه اقتصاد فرهنگ با تحلیل ثانویه آخرین داده‌های بین‌المللی درباره آن‌ها و استمرار نظم - که در تعریف آن مورد توجه بوده - با استفاده از میانگین داده‌های طولی موجود ده سال گذشته بررسی شده‌اند. قابل ذکر است که در داده‌های بین‌المللی سطح کلان نمی‌توان داده‌هایی را یافت که تطابق کامل با تعاریف مفهومی و عملیاتی داشته باشند و ناگزیر به مناسب‌ترین داده‌های موجود اکتفا می‌شود.

شاخص توسعه اقتصاد فرهنگ^۱

برای ساخت شاخص توسعه اقتصاد فرهنگ از معرف‌های ذیل استفاده شده است:

- درآمد کسب شده از ۴ نوع کالاهای فرهنگی، شامل: درآمد فیلم و سینما (داده‌های سازمان آمار یونسکو^۲)، درآمد موسیقی (داده‌های گزارش شده IFPI^۳)، درآمد کتاب (گزارش چشم‌انداز نشر^۴ و سازمان آمار یونسکو) و درآمد بازی‌های دیجیتال (گزارش موسسه Newzoo^۵) جمع‌آوری شده است.
- میزان هزینه دولت‌ها در صنایع فرهنگی و اقتصاد فرهنگ (گزارش سازمان آمار اتحادیه اروپا^۶) و سهم صنایع فرهنگی در تولید ناخالص ملی کشورها.
- آمار شاغلین بخش صنایع فرهنگی و فارغ‌التحصیلان هنر (سازمان آمار یونسکو). تعداد نیروی انسانی شاغل و متخصص در اقتصاد فرهنگ از نشانه‌های وجود نظم و هماهنگی بین بخش آموزش و اشتغال است و می‌تواند معرف مناسبی برای رونق و توسعه‌یافتگی آن باشد.
- میزان تجارت کالاهای فرهنگی و یافتن بازارهای مناسب برای عرضه کالاهای فرهنگی؛ آمار صادرات و واردات کالاهای فرهنگی (گزارش تجارت جهانی فرهنگی^۷)، یونسکو).

۱- برای ساخت برخی شاخص‌ها در صورت لزوم جهت هم ارز شدن واحد داده‌ها، از مقدار نسبی آن‌ها استفاده شده است.

2. UNESCO Institute for Statistics
3. International Federation of the Phonographic Industry
4. Publishing Perspectives
5. Games & Esports Analytics and Market Research
6. European Union Open Data Portal
7. The Globalisation of Cultural Trade

شاخص سرمایه و نظم اقتصادی

- تولید ناخالص داخلی (GDP) و درآمد ناخالص ملی (GNI) معرفی برای رشد اقتصادی، (از گزارش بانک جهانی^۱)، به صورت طولی از ده سال گذشته تاکنون)
- ضریب جینی که نشان دهنده میزان نابرابری در درآمد در جامعه است (بانک جهانی). در ترکیب شاخص، میانگین عدم نابرابری در ده سال گذشته استفاده شده است.
- دو شاخص کیفیت اقتصادی^۲ و فراهم بودن محیط کسب و کار^۳. شاخص کیفیت اقتصادی شامل سیاست‌های ساختاری در اقتصاد، رضایت اقتصادی و از استانداردهای زندگی، نبود فقر، مشارکت اقتصادی، کیفیت و تنوع تولید و صادرات کالا و شاخص محیط کسب و کار شامل مؤلفه‌های دسترسی به زیرساخت‌ها (نظیر اینترنت و حمل و نقل)، انعطاف پذیری (هزینه شروع کسب و کار و استخدام)، نظارت شفاف و عادلانه (حقوق مالکیت معنوی)، شایسته‌سالاری و توزیع برابر فرصت‌ها می‌باشد (Methodology Report Legatum, 2018:8).

شاخص سرمایه و نظم اجتماعی

- شاخص سرمایه اجتماعی^۴ (Legatum) متشکل از مؤلفه‌های انسجام اجتماعی و تعامل، شبکه‌های اجتماعی و خانوادگی، اعتماد اجتماعی و نهادی و مشارکت اجتماعی (Methodology Report Legatum, 2018:9) است.
- شاخص سرمایه اجتماعی (SolAbility) که گزارش سالانه رقابت جهانی^۵ آن را ارائه می‌دهد؛ شاخصی ملی است که در مجموع ثبات اجتماعی و رفاه کل جمعیت، انسجام، وفاق اجتماعی، محیط زیست پایدار را در برمی‌گیرد (The Sustainable Competitiveness Report, 2017:39).

1. Worldbank
2. Economic Quality
3. Business Environment
4. Social Capital
5. The Global Competitiveness Report

شاخص سرمایه و نظم فرهنگی

- شاخص آموزش و پرورش^۱ که شامل میزان سواد، دسترسی به آموزش، کیفیت آموزش و پرورش و سرمایه انسانی است (Methodology Report Legatum, 2018:9-10).
- شاخص علم و تکنولوژی^۲ (جزئی از شاخص کشور خوب^۳)، از داده‌های سازمان ملل ساخته شده و شامل سهم دانشجویان، تعداد مقالات، اختراعات و جوایز بین‌المللی علمی و پژوهشی در GDP است.
- شاخص سرمایه‌فکری^۴ جزئی از شاخص رقابت جهانی است و شامل سطح آموزش، دانش، پژوهش و کسب‌وکارهای خلاق (The Sustainable Competitiveness Report, 2017:31).

شاخص سرمایه و نظم سیاسی

- شاخص حکومت^۵ یا حکمرانی خوب^۶ شامل وجود پاسخگویی، انتخابات عادلانه، مشارکت سیاسی، حاکمیت قانون، آزادی اقتصادی و سطح دموکراسی است (Methodology Report Legatum, 2018:9).
- از ترکیب میانگین ده ساله گذشته این شاخص‌ها، شاخص سرمایه و نظم کشورها ساخته شده و رابطه آن با اقتصاد فرهنگ کشورها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اعتبار و روایی شاخص‌ها

برای بررسی اعتبار شاخص‌ها از ضریب آلفای کرونباخ (a)، همبستگی درونی عناصر شاخص‌ها و تحلیل عاملی (KMO) استفاده شده که در تمامی موارد از حداقل لازم برای پذیرش شاخص برخوردار بوده‌اند. در شاخص نظم سیاسی از یک شاخص بین‌المللی استفاده شده که بررسی اعتبار آن موضوعیت ندارد. در ذیل جدول اعتبار شاخص‌های ساخته شده، ارائه شده است:

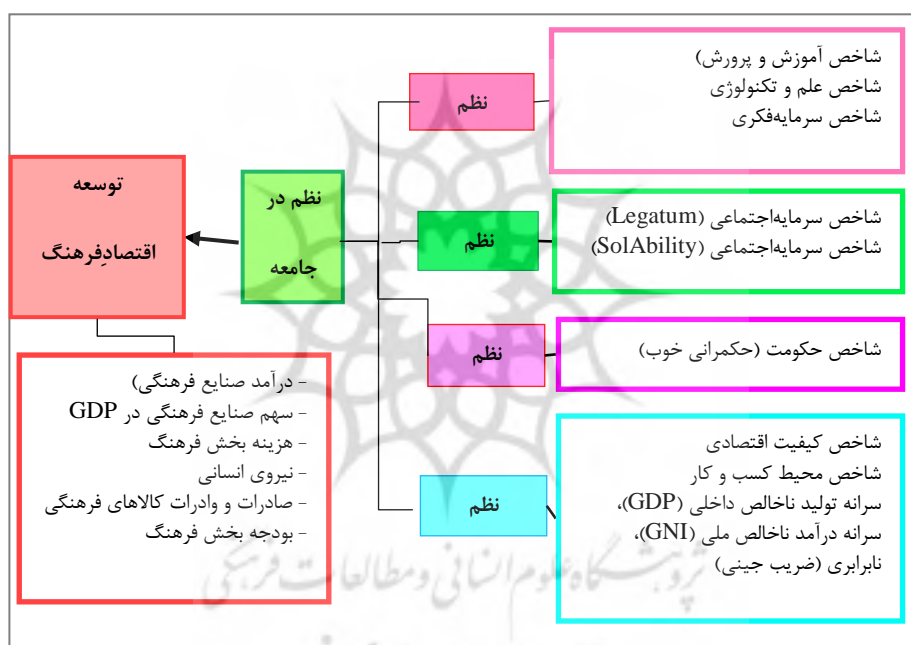
-
1. Education
 2. Science and Technology
 3. Good Country Index
 4. Intellectual capital
 5. Governance
 6. Well-governed

۲۱ بررسی تطبیقی رابطه توسعه اقتصاد فرهنگ و نظم در جامعه

جدول ۳: ضریب آلفای کرونباخ و تحلیل عاملی توسعه اقتصاد فرهنگ و نظم اجتماعی

Table 3: Cronbach's alpha coefficient and factor analysis of the development of Economics of culture and social order

KMO	α	شاخص‌ها
0.82	0.87	شاخص اقتصاد فرهنگ
0.84	0.90	سرمایه و نظم اقتصادی
0.50	0.88	سرمایه و نظم اجتماعی
0.71	0.77	سرمایه و نظم فرهنگی
0.82	0.95	شاخص سرمایه و نظم در جامعه



مدل ۲: رابطه نظم و اجزای تشکیل دهنده آن با اقتصاد فرهنگ

Model 2: The relationship of order and its constituent parts to the Economics of culture

روش بازه احتمال وقوع یا روش پی (PI)^۱

یکی از اهداف مقایسه وضعیت توسعه‌یافتگی اقتصاد فرهنگ ایران با کشورهای منتخب، پیش‌بینی شرایط و ارائه پیشنهاد برای بهبود و توسعه اقتصاد فرهنگ ایران است. روش بازه احتمال وقوع که روش پیش‌بینی چند متغیره و بدیلی برای تحلیل چندمتغیره گسسته است برای این منظور مناسب می‌باشد. این روش با کنار هم آوردن مزایای راهبردهای کمی و کیفی تلاشی است برای تلفیق روش‌ها به طوری که محقق در عین حال که از تقلیل موارد عالم واقع به متغیرهای صرف و ساده‌انگاری علیت پرهیز می‌کند، می‌تواند به مدل‌هایی دست یابد که قابلیت تعمیم دارند و امکان پیش‌بینی دقیق‌تر چند متغیره را در یک بازه احتمال وقوع فراهم می‌کنند. در این روش الگویی از بازه‌ها که در آن تعداد بیشتری از موارد که واقعه مورد نظر در آن واقع شده و تعداد کم‌تری از موارد که واقعه مورد نظر در آن واقع نشده را در برمی‌گیرد، الگوی تبیینی مطلوب خواهد بود (Parchami & Hajizadeh, 2014:6). چون در این مطالعه به دنبال تبیین وقوع یا عدم وقوع توسعه اقتصاد فرهنگ بر اساس توان تبیین چهار متغیر نظم اقتصادی، نظم فرهنگی، نظم اجتماعی و نظم سیاسی هستیم، از روش پی تأییدی (و نه اکتشافی) استفاده می‌کنیم.

در روش پی ابتدا مواردی (cases) که واقعه مورد نظر در آن‌ها روی داده است مشخص می‌شوند (کشورهای پیشرفته). سپس بازه متغیرهای مستقل (در اینجا میانگین ۱۰ ساله شاخص‌های سرمایه و نظم) مشخص می‌شود. بازه تغییرات هر متغیر بر اساس یک انحراف معیار بالای میانگین ($+ \sigma$) که حد بالای بازه و یک انحراف معیار پایین میانگین ($- \sigma$) که حد پایین بازه هر متغیر را مشخص می‌کند، مشخص شده است (آماره‌ی انحراف معیار برای کاهش خطا در نظر گرفته شده). این بازه معیاری برای مقایسه وضعیت مورد مطالعه (توسعه اقتصاد فرهنگ ایران) با شرایط سایر موارد (نظم در کشورهای پیشرفته) خواهد بود. پس از مشخص شدن کشورهای پیشرفته، بازه احتمال وقوع توسعه اقتصاد فرهنگ آن‌ها با استفاده از انحراف معیار از میانگین ابعاد مختلف نظم در جامعه (متغیرهای مستقل) مشخص می‌شود. سپس در گام اول وضعیت نظم ایران با بازه به دست آمده، مقایسه می‌گردد. نمودار آن بیانگر چگونگی تشابه وضعیت نظم ایران با نظم کشورهای پیشرفته است. در گام دوم با استفاده از میانگین رشد نظم کشورهای پیشرفته و ایران وضعیت نظم آن‌ها در ۱۰ سال آینده و فاصله نظم ایران با کشورهای پیشرفته مشخص می‌شود. اکنون

1. Probability Interval Method (PI Method)

۲۳ بررسی تطبیقی رابطه توسعه اقتصاد فرهنگ و نظم در جامعه

می‌توان نرخ رشد سالانه لازم در هر بعد از نظم ایران را برای آن که به توسعه اقتصاد فرهنگ برسد مشخص نمود. به عبارتی مشخص می‌شود ایران با چه نرخ رشدی در هر بعد از ابعاد نظم در جامعه می‌تواند در ۱۰ سال بعد همانند کشورهای پیشرفته باشد.

نرخ رشد سالانه با رابطه $(r = \frac{\text{سال مورد نظر} - \text{سال بعد}}{\text{سال مورد نظر}})$ و با فرض ثابت بودن شرایط و متوسط نرخ رشد ۱۰ سال گذشته (2009-2018)، متوسط نرخ رشد نظم کشورهای توسعه یافته در ۱۰ سال آینده از رابطه $X_{2030} = X_{2018}(R + 1)^{12}$ (در اینجا سال 2030 میلادی یا 1410 هجری شمسی یعنی ۱۲ سال بعد) محاسبه شده است. پس از این مرحله لازم است حداقل نرخ رشد لازم در هر بعد از نظم برای ایران تعیین شود. در صورت تحقق این نرخ ردها ایران می‌تواند در سال 1410 شمسی به توسعه اقتصاد فرهنگ همانند دیگر کشورهای پیشرفته برسد. با توجه به فرمول ریاضی قبلی برای محاسبه نرخ رشد مطلوب ایران از رابطه $R = \left(\sqrt[12]{\frac{X_{2030 \text{dcountry}}}{X_{2018 \text{Iran}}}} \right) - 1$ استفاده می‌شود.

یافته‌های تحقیق

مقایسه وضعیت توسعه اقتصاد فرهنگ در کشورها

چگونگی اقتصاد فرهنگ کشورهای پیشرفته، رشد یافته و ایران با توجه به معرف‌هایی که در بخش روش توضیح داده شدند بررسی شده و نتایج آن به شرح ذیل است:

صنعت فیلم و سینما از مهم‌ترین صنایع فرهنگی ثروت‌ساز جهان و میزان درآمد آن از طریق فروش گیشه^۱ مورد بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به آخرین داده‌های موجود، میانگین درآمد سینما در کشورهای پیشرفته ۲۸۶۸ میلیون دلار و در کشورهای رشد یافته ۴۳۷ میلیون دلار می‌باشد. درآمد سینما در ایران ۳۵,۷ میلیون دلار است که فاصله زیادی حتی با کشورهای رشد یافته دارد. لازم به ذکر است که تمام تفاوت میانگین‌ها در این مطالعه از معناداری لازم برخوردار می‌باشند.

درآمد موسیقی به گزارش IFPI در جهان ۱۹,۱ میلیارد دلار می‌باشد. میانگین کشورهای پیشرفته حدود ۱,۳۵ میلیارد دلار و کشورهای رشد یافته ۶۰۰ میلیون دلار است. در ایران نیز با وجود رونق یافتن صنعت موسیقی، درآمد ۲۸ میلیون دلاری آن در مقایسه با

کشورهای پیشرفته و رشدیافته نشان می‌دهد که هنوز تا درآمدزا شدن و رشد یافتن آن فاصله زیادی وجود دارد.

انتشار کتاب از دیگر صنایع پردرآمد فرهنگی است که بر اساس گزارش چشم‌انداز نشر و سازمان یونسکو، میانگین کشورهای پیشرفته در نشر کتاب ۴۴۶۰ میلیون دلار و کشورهای رشدیافته ۴۶۵ میلیون دلار می‌باشد. میزان درآمد ایران از چاپ کتاب ۲۶ میلیون دلار است^۱ که نشان می‌دهد ایران در این حوزه نیز فاصله بسیاری زیادی با کشورهای پیشرفته و رشدیافته دارد.

بازی‌های دیجیتال امروزه نقش مهمی در گردش مالی صنایع فرهنگی کشورها دارند. به گزارش موسسه Newzoo گردش مالی بازی‌های دیجیتال در جهان ۱۱۹٫۶ میلیارد دلار است. چین با درآمد ۳۴٫۴ میلیارد دلاری در رتبه اول قرار دارد. میانگین درآمد کشورهای پیشرفته در بازی‌های دیجیتال ۱۰۲۴۸ میلیون دلار و در کشورهای رشدیافته ۱۳۲۴ میلیارد دلار می‌باشد. این صنعت به نسبت صنایع دیگر از گردش مالی بالایی در دنیا برخوردار است. در ایران در سال قبل ۴۸۷ میلیون دلار صرف خرید بازی‌های دیجیتال شده است. این میزان درآمد، ایران را در منطقه به سومین کشور پس از عربستان و ترکیه تبدیل کرده است. این ارقام نشان می‌دهد که ایران بازار بزرگی برای بازی‌های دیجیتال است ولی تنها ۵ درصد از بازار بازی‌های دیجیتال آن متعلق به بازی‌های داخلی است.

مجموع درآمد سینما، موسیقی، کتاب و بازی‌های دیجیتال در کشورها نشان می‌دهد، میانگین درآمد صنایع فرهنگی کشورهای پیشرفته ۱۸۹۳۵ و کشورهای رشدیافته ۲۸۲۵ میلیون دلار است. این مقدار نشان‌دهنده آن است که اقتصاد فرهنگ در کشورهای رشدیافته که شامل کشورهای آسیای شرقی، آمریکای جنوبی و ترکیه که شرایط اجتماعی و فرهنگی شبیه به ایران دارند، نسبتاً از حد مطلوبی برخوردار است. درحالی‌که ایران با میزان ۵۶۹ میلیون دلار، فقط ۳ درصد کشورهای پیشرفته و ۲۰ درصد کشورهای رشدیافته درآمد داشته و فاصله زیاد با آن‌ها و توسعه‌نیافتگی اقتصاد فرهنگ آن را نشان می‌دهد.

۱. به نقل از مدیرکل چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی:

جدول ۴: میانگین درآمد صنایع فرهنگی کشورها در اقتصاد فرهنگ (میلیون دلار)

Table 4: The average income of the cultural industries of the countries in the Economics of culture (million dollars)

گروه‌ها	سینما	موسیقی	کتاب	بازی دیجیتال	مجموع
پیشرفته	2868	1358	4460	10248	18935
رشد یافته‌ها	437	600	465	1324	2825
ایران	35.7	28	26	487	569

تعداد نیروی انسانی شاغل و متخصص در اقتصاد فرهنگ: در واژه‌نامه یونسکو، شاغلین فرهنگی^۱، اشخاصی هستند که در مشاغل مربوط به صنایع فرهنگی مشغول به کار هستند. بنا بر گزارش یونسکو میانگین شاغلین فرهنگی در گروه کشورهای پیشرفته ۴۷۸۹۰ در هر میلیون نفر و میانگین سهم آن از کل شاغلین ۶٫۲ می‌باشد. میانگین تعداد شاغلین فرهنگی در کشورهای رشد یافته ۳۷۳۶۴ در هر میلیون نفر و سهم آن ۶٫۱ درصد از کل جمعیت شاغل است. تعداد شاغلین فرهنگی در ایران ۱۳۳۵۸ در هر میلیون نفر است و ۲٫۵ درصد از کل جمعیت شاغل را به خود اختصاص می‌دهد. این رقم گویای آن است که ما نتوانسته-ایم در این عرصه ایجاد ظرفیت نموده و از این ظرفیت به خوبی استفاده کنیم.

نیروهای متخصص حوزه فرهنگ و هنر نیز از مؤلفه‌های مهم توسعه اقتصاد فرهنگ به-ویژه در بخش تولید کالا و خدمات فرهنگی است. میانگین فارغ‌التحصیلان هنر در کشورهای پیشرفته ۱۲٫۴ درصد (از کل فارغ‌التحصیلان) و در کشورهای رشد یافته ۶٫۷ درصد می‌باشد. از کل فارغ‌التحصیلان دانشگاهی ایران ۷٫۶ درصد در رشته‌های هنر هستند. این اندازه کمی بیشتر از میانگین کشورهای رشد یافته است و نشان می‌دهد که نیروی انسانی لازم برای توسعه اقتصاد فرهنگ کشور وجود دارد اما به کار گرفته نمی‌شود. در کشورهای پیشرفته فرصت‌های شغلی بیشتری برای دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها از طریق صنعت فرهنگی فراهم می‌شود و این بخش از جامعه در جهت افزایش تولید، بهره‌وری و ارزش افزوده به کار گرفته می‌شوند.

سرمایه‌گذاری در بخش فرهنگ می‌تواند موجب افزایش تولید و توسعه اقتصاد فرهنگ شود. بر اساس گزارش سازمان آمار اتحادیه اروپا و پرتال دولت‌ها، میانگین هزینه دولت در بخش فرهنگ در کشورهای پیشرفته ۲۴۷۴۰ میلیون دلار است که ۱۶ برابر کشورهای

رشد یافته با ۱۵۴۰ میلیون دلار می‌باشد. بر اساس گزارش سالانه، بودجه کشور در بخش فرهنگ ۱۵۳ میلیون دلار یعنی ۰,۶ کشورهای پیشرفته و ۱۰ درصد کشورهای رشد یافته است. این داده‌ها نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری لازم در بخش فرهنگ انجام نمی‌شود که نتیجه آن توسعه اقتصاد فرهنگ باشد.

سهم صنایع فرهنگی در GDP در کشورهای پیشرفته به‌طور میانگین ۴,۴ درصد و در کشورهای رشد یافته ۳,۳ درصد می‌باشد. سهم صنایع فرهنگی در تولید ناخالص ملی ایران ۱ درصد و بیانگر توسعه نیافتگی اقتصاد فرهنگ و پایین بودن سهم آن در رشد اقتصادی کشور است.

صادرات کالای فرهنگی طبق گزارش تجارت جهانی فرهنگی یونسکو، میانگین صادرات کالاهای فرهنگی کشورهای پیشرفته ۱۵,۵ و واردات آن‌ها ۹,۹ میلیارد دلار و میانگین صادرات در کشورهای رشد یافته ۱,۸ و واردات آن‌ها ۲,۸ میلیارد دلار می‌باشد. این ارقام گویای آن است که هرچه اقتصاد فرهنگ کشورها توسعه یافته بوده موازنه اقتصادی آن‌ها به نفع صادرات بوده است. بر اساس همان گزارش درآمد ایران از صادرات کالاهای فرهنگی که بخش اعظمی از آن متعلق به هنرهای دستی نظیر فرش بوده است ۶۵۵ میلیون دلار و واردات آن ۱۲۲ میلیون دلار می‌باشد.

جدول ۵: وضعیت توسعه اقتصاد فرهنگ کشورها

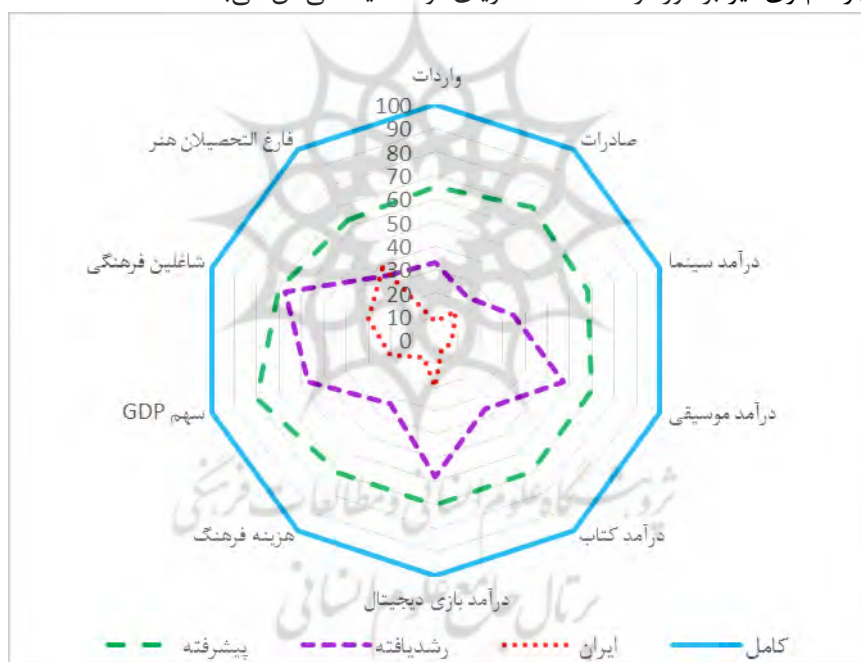
Table 5: The state of development of Economics of culture of countries

کشورها	شاغلین فرهنگی (در میلیون نفر)	درصد شاغلین فرهنگی	درصد فارغ التحصیلان هنر	هزینه بخش فرهنگ (میلیون دلار)	سهم صنایع فرهنگی در GDP	صادرات (میلیارد دلار)	واردات (میلیارد دلار)	میانگین شاخص EC
پیشرفته	47890	6.2	12.4	24740	4.4	15.5	9.9	74
رشد یافته‌ها	37364	6.1	6.7	1541	3.3	1.8	2.8	39
ایران	13358	2.5	7.6	153	1	0.655	0.122	17

۲۷ بررسی تطبیقی رابطه توسعه اقتصاد فرهنگ و نظم در جامعه

شاخص توسعه اقتصاد فرهنگ با نمرات نسبی اجزای آن ساخته شده است. میانگین شاخص توسعه اقتصاد فرهنگ در کشورهای پیشرفته ۷۴ و کشورهای رشد یافته ۳۹ و ایران ۱۷ (از ۱۰۰) می باشد. نمودار ذیل وضعیت توسعه اقتصاد فرهنگ کشورهای پیشرفته و رشد یافته را در مقایسه با ایران نشان می دهد.

هرچند الگوی توسعه کشورهای پیشرفته (رنگ آبی) هم با مدل توسعه یافتگی کامل (رنگ سبز) فاصله دارد، لیکن اقتصاد فرهنگ کشورهای پیشرفته توسعه یافته تر و به شرایط ایده آل و کامل نزدیک تر و از تعادل بیشتری هم برخوردار است. کشورهای رشد یافته علاوه بر اینکه از رشد کمتری برخوردارند، تعادل کمتری هم در اقتصاد فرهنگ دارند. مؤلفه های اقتصاد فرهنگ ایران فاصله زیادی با هر دو گروه کشورهای دیگر دارند و از تعادل و نظم بسیار کمتری نیز برخوردار هستند که گویای توسعه نیافتگی آن می باشد.



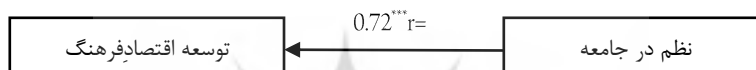
نمودار ۱: مقایسه الگوی توسعه اقتصاد فرهنگ کشورها

Chart 1: Comparison of countries' development of Economics of culture patterns

رابطه نظم در جامعه و ابعاد آن با توسعه اقتصاد فرهنگ

شاخص نظم در جامعه از مجموع شاخص‌های نظم در ابعاد مختلف به دست آمده است. میانگین نسبی نظم در جامعه در کشورهای پیشرفته ۶۶ و در کشورهای رشد یافته ۴۹ و نمره این شاخص در ایران ۴۴ می‌باشد. (جدول ۶)

ضرایب همبستگی رابطه نظم در جامعه و ابعاد آن با توسعه اقتصاد فرهنگ در کل کشورهای مورد مطالعه نشان می‌دهد که افزایش نظم در جامعه با توسعه اقتصاد فرهنگ رابطه مثبت و معنادار دارد. همبستگی میان توسعه اقتصاد فرهنگ و نظم در جامعه $R^2 = 0.53$ می‌باشد. نظم در جامعه توانسته $R^2 = 0.53$ تغییرات توسعه اقتصاد فرهنگ را تبیین کرده و بقیه تغییرات آن به عوامل دیگری غیر از آن مربوط می‌شود (جدول ۷).



ضریب همبستگی بین توسعه اقتصاد فرهنگ و نظم در جامعه در کشورهای پیشرفته $R^2 = 0.28$ و در کشورهای رشد یافته $R^2 = 0.55$ است. در مجموع رابطه قوی بین شاخص نظم در جامعه و ابعاد آن با اقتصاد فرهنگ بیانگر توان تبیین تغییرات توسعه اقتصاد فرهنگ توسط نظم در جامعه است. براین اساس ایران اگر بخواهد در اقتصاد فرهنگ توسعه یابد، می‌بایست برای ایجاد نظم در ابعاد مختلف و یا تولید، توزیع و مصرف انواع سرمایه‌ها در خرده‌نظام‌های جامعه سیاست‌گذاری و اقدامات لازم را به عمل آورد.

نظم اقتصادی: میانگین نسبی شاخص نظم اقتصادی کشورهای پیشرفته ۶۵ و کشورهای رشد یافته ۴۷ می‌باشد. ضریب همبستگی توسعه اقتصاد فرهنگ و نظم اقتصادی در کشورهای پیشرفته $R^2 = 0.11$ و در کشورهای رشد یافته $R^2 = 0.71$ و در کل کشورها $R^2 = 0.73$ است و بیانگر آن است که نظم اقتصادی و تولید سرمایه اقتصادی برای توسعه اقتصاد فرهنگ در کل کشورها و کشورهای رشد یافته مهم‌تر می‌باشد؛ زیرا می‌تواند $R^2 = 0.53$ از تغییرات اقتصاد فرهنگ آن‌ها را تبیین کند. نمره شاخص نظم اقتصادی ایران ۴۰ است که با کشورهای پیشرفته فاصله زیادی دارد؛ اما فاصله آن با کشورهای رشد یافته زیاد نیست. توجه به فاصله کم نظم اقتصادی ایران با کشورهای رشد یافته و رابطه قوی همبستگی آن با توسعه اقتصاد فرهنگ در این کشورها، می‌توان انتظار داشت با ارتقاء نظم اقتصادی دستیابی به شرایط مشابه کشورهای رشد یافته در اقتصاد فرهنگ قابل تصور و دست‌یافتنی باشد.

نظم اجتماعی: میانگین نسبی شاخص نظم اجتماعی در کشورهای پیشرفته ۵۴، در کشورهای رشد یافته ۴۶ و نمره شاخص نظم اجتماعی در ایران ۴۵ می‌باشد. ضریب

۲۹ بررسی تطبیقی رابطه توسعه اقتصاد فرهنگ و نظم در جامعه

همبستگی توسعه اقتصاد فرهنگ و نظم اجتماعی در کشورهای پیشرفته ۲۰۴۵= و در کشورهای رشد یافته ۲۰۲۸= و در کل کشورها ۲۰۵۹= است. مقایسه ضرایب همبستگی گویای آن است که نظم اجتماعی در توسعه اقتصاد فرهنگ در کل کشورها و کشورهای پیشرفته نسبت به کشورهای رشد یافته تبیین کنندگی بیشتری دارد. وضعیت ایران در این بعد نظم مشابه کشورهای رشد یافته است و با در نظر گرفتن همبستگی و ضریب تعیین آن می توان نتیجه گرفت دستیابی به شرایط توسعه اقتصاد فرهنگ کشورهای رشد یافته برای ایران امکان پذیر است.

نظم فرهنگی: میانگین نسبی شاخص نظم فرهنگی در کشورهای پیشرفته ۷۴ و در کشورهای رشد یافته ۵۵ می باشد. نمره شاخص فرهنگی در ایران نیز ۵۵ است. ضریب همبستگی بین توسعه اقتصاد فرهنگ و نظم فرهنگی در کشورهای پیشرفته ۲۰۲۱= و در کشورهای رشد یافته ۲۰۵۳= و در کل کشورها ۲۰۷۳= است. نظم فرهنگی همانند نظم اقتصادی در کل کشورها و کشورهای رشد یافته نسبت به کشورهای پیشرفته رابطه قوی تری با اقتصاد فرهنگ دارد. با توجه به یکسانی نظم فرهنگی ایران و کشورهای رشد یافته و بالا بودن توان تبیین تغییرات توسعه اقتصاد فرهنگ می توان انتظار داشت که اقتصاد فرهنگ ایران از رشدی مشابه این کشورها برخوردار شود.

نظم سیاسی: میانگین نسبی این شاخص در کشورهای پیشرفته ۷۰ و در کشورهای رشد یافته ۵۲ و نمره شاخص نظم سیاسی در ایران ۳۶٫۵ می باشد. ضریب همبستگی بین توسعه اقتصاد فرهنگ و نظم سیاسی در هر دو گروه کشورهای پیشرفته و رشد یافته ۲۰۳۲= و در کل کشورها ۲۰۵۷= است. رفع اختلالات سیاسی می تواند در فراهم شدن شرایط توسعه ایران تأثیر گذار باشد.

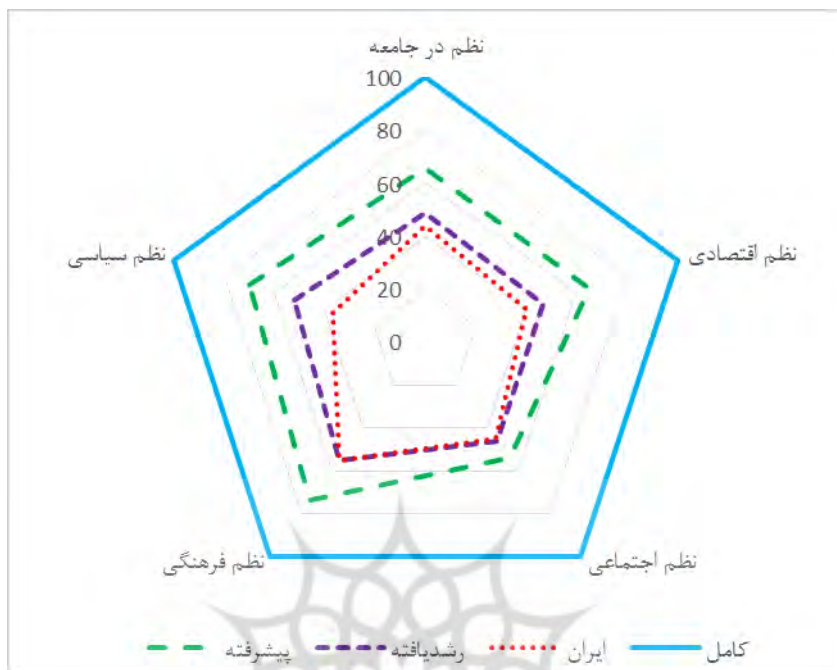
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۶: مقایسه شاخص نظم در جامعه و اجزای آن در کشورها

Table 6: Comparison of order in society and its components in countries

کشورها	آماره	نظم اقتصادی	نظم اجتماعی	نظم فرهنگی	نظم سیاسی	نظم در جامعه
پیشرفته	میانگین	65	54	74	70	66
	انحراف معیار	3	1.2	1.8	4.5	2.5
	حداقل	44.6	45.8	66.8	37	49
	حداکثر	80.7	59.8	81.7	83	76
	همبستگی	0.11	0.45	0.21	0.32	0.28
رشد یافته‌ها	میانگین	47	46	55	52	49
	انحراف معیار	3	1.4	3.9	2.7	2
	حداقل	38	42	34.7	42	44
	حداکثر	69.6	53	75.5	64.7	61.5
	همبستگی	0.71	0.28	0.53	0.32	0.55
ایران		40	45	55	36.5	44

مقایسه شاخص نظم و اجزای آن یعنی نظم اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در میان کشورهای منتخب و ایران نشان می‌دهد که کشورهای پیشرفته از نظم بیشتر و متعادل‌تری برخوردارند. نظم در کشورهای مورد بررسی در نمودار ۲ قابل مشاهده می‌باشد.



نمودار ۲: مقایسه الگوی ابعاد نظم در کشورها

Chart 2: Comparison of pattern dimensions in countries

تحلیل دو و چند متغیری رگرسیون

برای تحلیل رابطه و تعیین اثر هر یک از ابعاد نظم بر توسعه اقتصاد فرهنگ از تحلیل رگرسیون دو متغیری استفاده شده است. در روابط رگرسیون دو متغیری دو بعد نظم اقتصادی و فرهنگی دارای بیشترین رابطه و یکسان هستند $r = 0.73$. اقتصاد فرهنگ به ازای یک واحد افزایش در نظم فرهنگی 1.3 و به ازای یک واحد افزایش در نظم اقتصادی 1.25 واحد افزایش می‌یابد. این مقدار برای نظم اجتماعی بیش از این دو متغیر یعنی به ازای یک واحد افزایش در نظم اجتماعی 2.25 واحد افزایش توسعه اقتصاد فرهنگ را شاهدیم که به معنی اثرگذاری بیشتر نظم اجتماعی بر شیب توسعه اقتصاد فرهنگ می‌باشد. همبستگی آن‌ها $r = 0.59$ است که رابطه‌ای نسبتاً قوی اما نسبت به نظم فرهنگی و اقتصادی ضعیف است. کمترین رابطه را نظم سیاسی داشته که $r = 0.57$ است. هم‌چنین میزان تغییر توسعه اقتصاد فرهنگ نسبت به تغییر آن نیز کمترین (0.84 واحد) است. در جدول ذیل تحلیل رگرسیون دو متغیری نظم در جامعه و اجزای آن ارائه شده است. معادله ذیل نشان می‌دهد

که به ازای افزایش یک واحد نظم در جامعه ۱,۵۰ واحد توسعه اقتصاد فرهنگ افزایش می‌یابد.

$$SOI = \text{شاخص نظم اجتماعی و } ECI = \text{شاخص اقتصاد فرهنگ} \quad ECI = (31.87) + (1.50) SOI$$

جدول ۷: تحلیل رگرسیون دو متغیری نظم در جامعه و ابعاد آن با توسعه اقتصاد فرهنگ

Table 7: Analysis of regression of order in society and its dimensions with the development of Economics of culture

Sig	b	Adjusted R ²	R ²	r	عامل مؤثر
0.000	1.25	0.50	0.53	0.73	نظم اقتصادی
0.006	2.25	0.31	0.35	0.59	نظم اجتماعی
0.000	1.30	0.51	0.53	0.73	نظم فرهنگی
0.006	0.84	0.29	0.33	0.57	نظم سیاسی
0.000	1.50	0.49	0.52	0.72	نظم در جامعه

هم‌چنین نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چند متغیری نشان می‌دهد که فقط شاخص نظم اقتصادی با فاصله بسیار کمی از نظم فرهنگی وارد معادله رگرسیون شده است. معادله رگرسیونی که با روش گام‌به‌گام محاسبه شده به شرح زیر می‌باشد.

$$EOI = \text{شاخص نظم اقتصادی} \quad EOI = (9.81) + (0.93) ECI$$

نظم اقتصادی دارای بیشترین همبستگی (۰,۷۳) با معناداری قابل قبول با توسعه اقتصاد فرهنگ است. [البته نظم فرهنگی هم با فاصله اندکی پس از آن قرار دارد؛ اما از آنجاکه وزن تأثیر اقتصادی (β=۰,۷۵) و سطح معنی‌داری آن بیشتر بوده، فقط نظم اقتصادی وارد معادله شده است. [با افزایش نظم اقتصادی و (با اندکی مسامحه) افزایش نظم فرهنگی در جامعه زمینه تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات فرهنگی و کسب درآمد از آن‌ها فراهم می‌گردد. (جدول ۸)

۳۳ بررسی تطبیقی رابطه توسعه اقتصاد فرهنگ و نظم در جامعه

جدول ۸: تحلیل چند متغیری توسعه اقتصاد فرهنگ با ابعاد نظم در جامعه

Table 8: Multivariate analysis of the development of Economics of culture with the dimensions of order in society

عامل مؤثر	R	R ²	Adjusted R ²	Beta	B	sig
شاخص نظم اقتصادی	0.73	0.57	0.54	0.75	1.34	0.000

قابل ذکر است که این معادله فقط ۰,۵۷ درصد تغییرات توسعه اقتصاد فرهنگ را تبیین می کند و ۰,۴۳ درصد تغییرات آن با عوامل دیگری غیر از نظم در جامعه که در این تحقیق بررسی نشده اند تبیین می شود و در حالی که شرایط نظم آنان شباهت زیادی با هم دارند احتمالاً همین عوامل بررسی نشده دلیل و یا دلایل فاصله نمره توسعه اقتصاد فرهنگ ایران با کشورهای رشد یافته در آن باشد.

احتمال وقوع توسعه اقتصاد فرهنگ در کشورهای منتخب و ایران

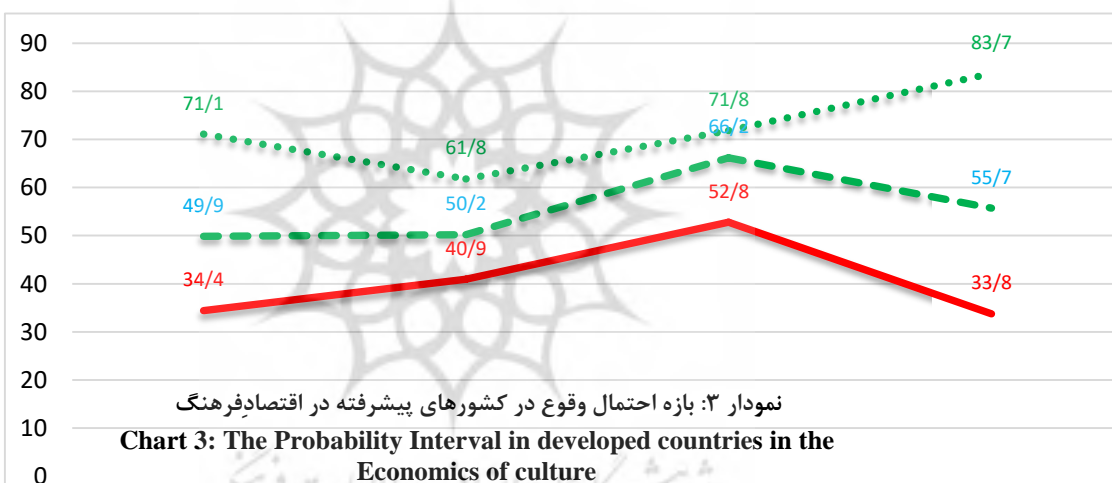
با در نظر گرفتن شرایط ۱۰ سال گذشته ایران و دیگر کشورهای مورد بررسی و با تأکید بر تغییرات لازم در نظم در جامعه و ابعاد آن، پیش بینی مقایسه ای وضعیت توسعه اقتصاد فرهنگ ایران در ۱۰ سال آینده انجام شده است. میانگین شاخص های ابعاد نظم در کشورهای پیشرفته و رشد یافته در ۱۰ سال گذشته و در نظر گرفتن یک انحراف معیار بالا و پایین آن ها معیاری برای این مقایسه ارائه نموده اند. (جدول ۹)

جدول ۹: میانگین ۱۰ سال شاخص نظم در جامعه و اجزای آن در کشورها (۲۰۰۹-۲۰۱۸)

Table 9: Average 10 years of order in society and its components in countries (2009-2018)

کشورها	آماره	نظم اقتصادی	نظم اجتماعی	نظم فرهنگی	نظم سیاسی	نظم در جامعه
پیشرفته	میانگین	60.5	56	69	69.7	64
	انحراف معیار	10.6	5.8	2.8	14	7.8
	حداکثر بازه	71.1	61.8	71.8	83.7	71.8
	حداقل بازه	49.9	50.2	66.2	55.7	56.2
رشد یافته ها	میانگین	40.5	44.7	57	54	48
	انحراف معیار	9.8	3	8.2	8.2	4.8
	حداکثر بازه	50.3	47.7	65.2	62.2	52.8
	حداقل بازه	30.7	41.7	48.8	45.8	43.2
ایران		34.4	40.9	52.8	33.8	40.5

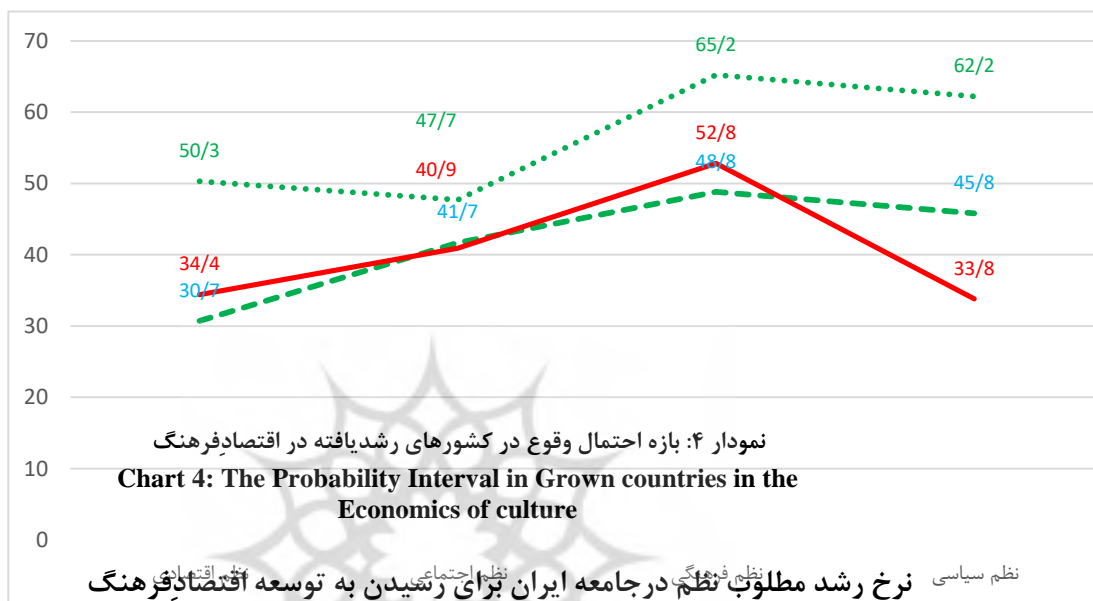
نمودار ۳ نشان‌دهنده بازه‌ی احتمال وقوع توسعه اقتصادی فرهنگ بر اساس میانگین ابعاد نظم در جامعه در کشورهای پیشرفته می‌باشد. دو خط سبز حد بالا و پایین این بازه برای متغیرهای مختلف را نشان می‌دهد. همان‌طور که در نمودار مشخص است هیچ‌یک از مقادیر نظم ایران در شرایط فعلی مابین حداقل و حداکثر بازه‌های ابعاد نظم در جامعه قرار نگرفته است. به عبارتی دیگر اگر ایران بخواهد همانند کشورهای پیشرفته باشد، می‌بایست نظم اقتصادی خود را بین ۴۹,۹ تا ۷۱,۱ قرار دهد اما در حال حاضر نمره نظم اقتصادی آن ۳۴,۴ است. در نظم اجتماعی نیز باید بین ۵۰,۲ تا ۶۱,۸ باشد در حالی که ۴۰,۹ است. در نظم فرهنگی هم بایستی بین ۶۶,۲ تا ۷۱,۸ باشد که در حال حاضر ۵۲,۸ است. در نظم سیاسی نیز باید بین ۵۵,۷ تا ۸۳,۷ باشد که ۳۳,۸ است. در مجموع نمره نظم در جامعه در ایران باید بین ۵۶,۲ تا ۷۱,۸ باشد که در حال حاضر ۴۰,۵ است.



برعکس تفاوت نسبتاً زیاد شرایط نظم در جامعه ایران و ابعاد مختلف آن در مقایسه با کشورهای پیشرفته، شباهت نظم ایران با کشورهای رشد یافته بسیار زیاد است. در نمره نظم اقتصادی و فرهنگی ایران در بازه نظم قرار دارد. در نظم اجتماعی فقط ۰,۸ نمره با حداقل بازه تفاوت دارد؛ اما در نظم سیاسی و شاخص نظم در جامعه این تفاوت زیاد می‌شود. در نظم سیاسی حداقل بازه ۴۵,۸ است در حالی که نظم سیاسی ایران ۳۳,۸ است. در شاخص نظم در جامعه نیز حداقل ۴۳,۲ است در حالی که ایران ۴۰,۵ است. از داده‌های فوق و نمودارهای آن، قابل استنتاج است که ایران شرایطی بسیار نزدیک به کشورهای رشد یافته دارد (نمودار ذیل). در حالی که میانگین توسعه اقتصادی فرهنگ کشورهای رشد یافته در حال

۳۵ بررسی تطبیقی رابطه توسعه اقتصاد فرهنگ و نظم در جامعه

حاضر ۳۹ و نمره ایران ۱۷ از ۱۰۰ می‌باشد. یادآوری این نکته لازم است که نظم در جامعه ۰,۵۲ درصد تغییرات توسعه اقتصاد فرهنگ را تبیین می‌کند و ۰,۴۸ درصد تغییرات آن با عوامل دیگری غیر از آن که در این تحقیق بررسی نشده‌اند تبیین می‌شود.



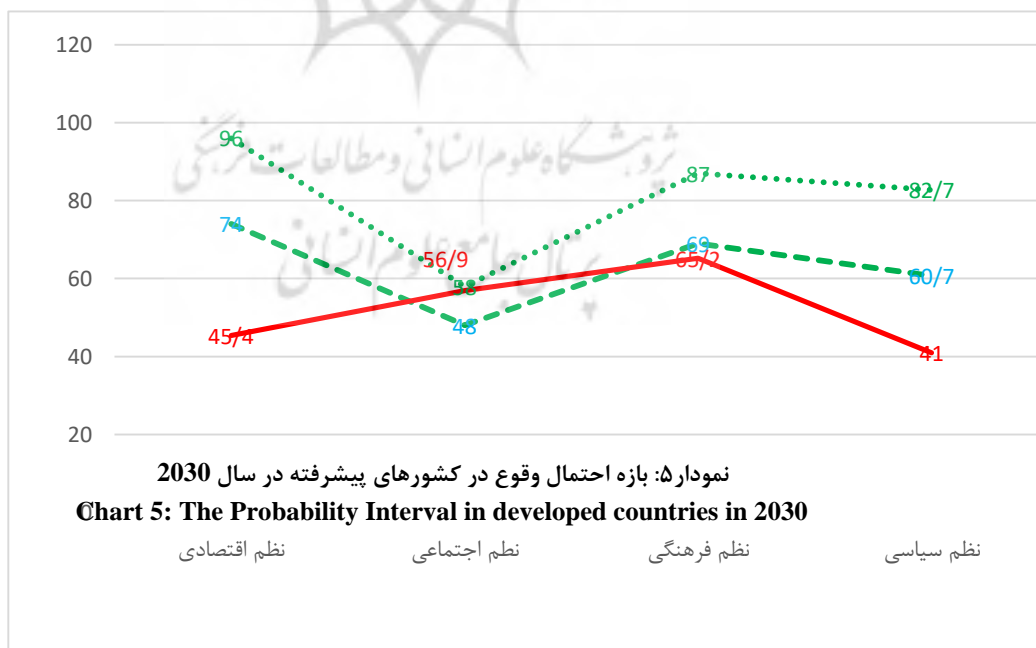
رابطه توسعه اقتصاد فرهنگ و نظم در جامعه و ابعاد آن بررسی شد. داده‌های به دست آمده فرضیه این تحقیق، یعنی وجود رابطه مستقیم بین ارتقاء نظم در جامعه و توسعه اقتصاد فرهنگ را تأیید کرد. بر این اساس می‌توان ادعا کرد، اگر ایران بخواهد به توسعه اقتصاد فرهنگ دست یابد باید نظم در جامعه را در ابعاد مختلف افزایش دهد. جدول ذیل نمره هریک از ابعاد نظم در ۱۲ سال بعد یعنی سال ۲۰۳۰ را نشان می‌دهد. این ارقام با محاسبه میانگین نرخ رشد هریک از ابعاد نظم در ۱۰ سال گذشته و با فرض یکسانی شرایط محاسبه شده است.

جدول ۱۰: میانگین پیش‌بینی شده شاخص نظم در جامعه و اجزای آن در کشورها (۲۰۳۰)

Table 10: The average predicted of order in society and its components in countries (2030)

کشورها	آماره	نظم اقتصادی	نظم اجتماعی	نظم فرهنگی	نظم سیاسی	نظم در جامعه
پیشرفته	میانگین	85	53	78	71.7	67.3
	انحراف معیار	11	5	9	11	7
	حداکثر بازه	96	58	87	82.7	74.3
	حداقل بازه	74	48	69	60.7	60.3
رشد یافته‌ها	میانگین	67.5	57.6	62.8	49	53.9
	انحراف معیار	13	11	13	11	7
	حداکثر بازه	80.5	68.6	75.8	60	60.9
	حداقل بازه	54.5	46.6	49.8	38	46.9
ایران	45.4	56.9	65.2	41	51.4	

نمودار ذیل گویای آن است که اگر ایران روند رشد ابعاد مختلف نظم در ۱۲ سال آینده را همانند ۱۰ سال گذشته طی کند در اقتصاد فرهنگ به توسعه نمی‌رسد. با شرایط فعلی ایران در نظم سیاسی، نظم اقتصادی و با فاصله کمی در نظم فرهنگی به حداقل مورد نیاز از نظم (حد پایین بازه احتمال وقوع) برای دستیابی به توسعه در اقتصاد فرهنگ نمی‌رسد. فقط نظم اجتماعی ایران تا ۱۲ سال آینده وارد بازه احتمال وقوع توسعه اقتصاد فرهنگ می‌شود.



۳۷ بررسی تطبیقی رابطه توسعه اقتصاد فرهنگ و نظم در جامعه

برای رفع این مشکل لازم است نرخ رشد در ابعاد مختلف ایران برای ۱۲ سال آینده محاسبه شود. ایران برای رسیدن به توسعه در اقتصاد فرهنگ باید در نظم اقتصادی از نرخ رشد سالانه ۰,۰۱ به نرخ رشد ۱,۳۲، در نظم اجتماعی از نرخ رشد ۰,۰۲ به نرخ رشد ۰,۲۰، در نظم فرهنگی از نرخ رشد ۰,۰۱ به نرخ رشد ۰,۵۰ و در نظم سیاسی از نرخ رشد ۰,۰۱ به نرخ رشد ۱,۱۳ برسد. تحت این شرایط ما می‌توانیم انتظار داشته باشیم به احتمال زیاد در ۱۲ سال آینده (۲۰۳۰ میلادی و ۱۴۱۰ هجری شمسی) شرایطی همانند کشورهای پیشرفته در اقتصاد فرهنگ داشته باشیم.

جدول ۱۱: نرخ رشد فعلی و مطلوب ایران در ابعاد نظم برای رسیدن به پیشرفت در اقتصاد فرهنگ در سال ۲۰۳۰ میلادی

Table 11: Iran's current and favorable growth rate in the dimensions of order to achieve progress in the Economics of culture in 2030 AD

ابعاد نظم	نرخ رشد فعلی	نرخ رشد مطلوب
نظم اقتصادی	0.01	1.32
نظم اجتماعی	0.02	0.20
نظم فرهنگی	0.01	0.50
نظم سیاسی	0.01	1.13

بحث و نتیجه‌گیری

اقتصاد فرهنگ با تکیه بر روابط اقتصاد و فرهنگ راهی برای رونق و شکوفایی فرهنگی و هنری و توانمند ساختن اقتصادی تولیدات فرهنگی، ایجاد اشتغال، کسب درآمد و پاسخ به نیازهای فرهنگی مصرف‌کنندگان است. توسعه اقتصاد فرهنگ فرایند ارتقاء مستمر و متعادل تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات فرهنگی در سطوح مختلف می‌باشد. پیشرفت، زمانی محقق می‌شود که در جامعه نظم به معنی تناسب هنجارها با هدف غایی خلقت انسان و تعهد به هنجارها در ایفای نقش‌های اجتماعی در سطح خرد و هماهنگی و همسویی نهادها در سطح کلان حاکم باشد. هر چه نظم در جامعه بیشتر باشد اقتصاد فرهنگ نیز توسعه‌یافته‌تر خواهد بود.

بررسی مقایسه‌ای وضعیت نظم در جامعه و توسعه اقتصاد فرهنگ میان ایران و کشورهای پیشرفته و رشد یافته در اقتصاد فرهنگ نشان می‌دهد که ایران در اقتصاد فرهنگ از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. پایین بودن درآمد صنایع فرهنگی و سهم آن در رشد اقتصادی، ضعف در سرمایه‌گذاری و تجارت در این بخش و عدم استفاده صحیح از نیروهای

آموزش‌دیده و متخصص در حوزه فرهنگ و هنر در مقایسه با کشورهای پیشرفته و رشد یافته، نشان از توسعه‌نیافتگی اقتصاد فرهنگ ایران دارد.

از عوامل مهم توسعه‌نیافتگی اقتصاد فرهنگ اختلال کارکردی در خرده‌نظام‌های جامعه و بی‌نظمی است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد، کشورهایی که از نظم بیشتر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برخوردارند، اقتصاد فرهنگ رشد یافته‌تری دارند. ایران اگر بخواهد در اقتصاد فرهنگ توسعه پیدا کند، بایستی به اندازه موردقبولی از نظم اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برسد.

با مقایسه الگوی نظم کشورها درمی‌یابیم که اختلال در نظم سیاسی و نظم اقتصادی ایران از عواملی که با وجودی که نظم ایران شبیه به کشورهای رشد یافته است اما اقتصاد فرهنگ آن از توسعه‌یافتگی مشابه آنان برخوردار نباشد. چگونگی سیاست‌گذاری و دخالت نهاد سیاست و چگونگی حضور فعالان اقتصادی در اقتصاد فرهنگ که متأثر از این سیاست‌گذاری‌ها می‌باشند، می‌تواند از عوامل توسعه‌نیافتگی اقتصاد فرهنگ ایران نسبت به کشورهای رشد یافته باشد. فاصله این متغیرها در این مقایسه حاکی از آن است که اصلاحات اندکی در این امور می‌تواند شرایط مشابه این کشورها برای ما به وجود آورد.

وضعیت فعلی ایران در ابعاد مختلف نظم در جامعه نشان می‌دهد که فاصله زیادی با کشورهای پیشرفته دارد و با همین نرخ رشد سرمایه‌ها در ۱۲ سال آینده این فاصله را جبران نخواهد کرد. برای توسعه در اقتصاد فرهنگ لازم است نظم در جامعه حاکم و نرخ رشد ابعاد نظم در جامعه ارتقاء یابد. این تغییرات نیازمند سیاست‌گذاری نظم محوری است که هماهنگی و هم‌سویی کارکردی نهادها با یکدیگر را مبنا قرار داده و تولید، توزیع و مصرف سرمایه‌ها را به‌طور مستمر و متعادل در سطوح مختلف هدف‌گیری نماید.

تشکر و سپاسگزاری

از کلیه پاسخگویان یعنی اهالی مناطق ۲۲ گانه شهر تهران به دلیل مشارکت در مصاحبه و هم‌چنین پرسشگران این تحقیق صمیمانه قدردانی می‌گردد.

References

- Bourdieu, P. (1986). *The Forms of Capital in J. G. Richardson*. Handbook of Theory and Research for Sociology of Education, New York: Greenwood Press.
- Chalabi, M. (2010). *Sociology of Order*. Theoretical Description and Analysis of Social Order (In Persian), Tehran: Ney Publication.
- Ginsburgh, V. (2000). *Economics of Art and Culture*. Translated into Persian by Ali A. Mohammadbeigi, Tehran: Baz Publication.
- Glossary of UNESCO Institute for Statistics: [Http://Uis.Unesco.Org](http://uis.unesco.org)
- Horkheimer, M., Adorno, T. (2005). *Dialectic of Enlightenment*. Translated into Persian by Omid Mehregan, Tehran: Gamno Publication.
- Iranian Film and Cinema Sales Report (2018), *Deputy Minister of Technology Development and Cinematic Studies of Iran*.
- Masoudinia, Z., Rashidpoor, A., Ebrahimzadeh, R. (2018). *Effective Strategies on Strengthening the Structure of the Economics of Culture in Iran*. Iranian Journal of Socio-Cultural Strategy, 27: 103-138.
- Methodology Report Legatum, 2018, Legatum Prosperity Index TM: [Www.Pro Prosperity.Com](http://www.prosperity.com)
- Nazemi Ardakani, M., Sayadi, M. (2014). *A Comparison of Selected Countries Regarding Cultural Economics and Suggestions to Promote It in Iran*. Iranian Journal of Socio-Cultural Strategy, 13: 191-226.
- Oakley, Kate And O'Connor, Justin (2015). *The Routledge Companion to the Cultural Industries*. Taylor & Francis
- Parchami, D. (2011). *Comparative Study of the Relationship between Order in Society and Scientific Progress*. Iranian Journal of Social Analysis, 61: 65-102.
- Parchami, D., Hajizadeh, K. (2014). *Introducing the Probability Interval Method (P Method): A Multivariate Data Analysis Technique in the Social Sciences*. Second National Conference on Sociology and Social Sciences, Tehran.
- Parchami, D., Jalali, F. (2016). *Social Contexts of Resistance Economics*, Proceedings of the First Conference on Resistance Economics, Tehran.
- Parsons, T. (1951). *The Social System*. New York: Free Press.
- Pratt, A.C. (2004). *The Cultural Economy: A Call for Specialized, 'Production of Culture' Perspectives*, International Journal of Cultural Studies, Volume 7(1).
- Pratt, Andy (2009). *Cultural Economy*. International Encyclopedia of Human Geography, Volume 2, R. Kitchen and N. Thrift. Oxford, Elsevier.
- Rashad, A.A. (2005). *Concept of Scientific Development*. Iranian Journal of Reflection of Thought J, Qom, Iran, 62:7-11
- Sepehrnia, R., Delavar, A. Salehi Amiri, S.R. (2012), *Study the Relationship between Cultural Creative Industries and Promotion of Cultural Capital in Iran*. Iranian Journal of Innovation and Creativity in the Humanities, 2(1): 139-161.

- Shirazi, H., Izadkhah, M.M. (2016). *Policy Approach in Economics of Culture; Study: Commercialization of Animation Side Products*. Iranian Journal of Public Policy, 2(3): 141-161.
- Tavassoli, G.A. (2010). *Sociological Theories*. Tehran: Samt Publication. (In Persian).
- The Global Competitiveness Report 2017-2018, World Economic Forum
- Throsby, D. (2014). *Economics and Culture*. Translated into Persian by Kazem Farhadi, Tehran: Ney Publication.
- Todaro, M.P. (2012). *Economic Development in the Third World*. Translated into Persian by Golamali Farjadi, Tehran: Koohsar Publication.
- Towse, R. (2014). *A Handbook of Cultural Economics*. Translated into Persian by Ali A. Farhangi and Others, Tehran: Danjeh Publication.
- UNESCO-UIS (2012). *Measuring the Economic Contribution of Cultural Industries*. UNESCO Institute for Statistics Data Base Anholt, Simon; Govers, Robert.2018, "FAQ". The Good Country Index: <https://Goodcountryindex.Org>
- Cultural Times. 2015. The First Global Map of Cultural and Creative Industries: <https://Unesdoc.Unesco.Org>
- European Union Open Data Portal: <https://Data.Europa.Eu/Euodp/Data/>
- Games, Esports, and Mobile Market Research and Data, Newzoo, 2019: <https://Newzoo.Com/>
- IFPI Global Music Report 2018, <https://Www.Ifpi.Org>
- Legatum Prosperity Index 2018: <https://Www.Prosperty.Com/>
- Publishing Perspectives - International Book Publishing News: <https://Publishingperspectives.Com/>
- Statistical Center Of Iran: <https://Www.Amar.Org.Ir/English>
- The Global Sustainable Competitiveness Report2018: <http://Solability.Com/The-Global-Sustainable-Competitiveness-Index/The-Index>
- The Globalisation of Cultural Trade: http://Uis.Unesco.Org/Sites/Default/Files/Documents/The-Globalisation-Of-Cultural-Trade-A-Shift-In-Consumption-International-Flows-Of-Cultural-Goods-Services-2004-2013-En_0.Pdf
- UNESCO Institute for Statistics: <http://Data.Uis.Unesco.Org/>
- World Bank Group - International Development, Poverty, & Sustainability: <https://Www.Worldbank.Org/>